

فرهنگ روس

معرفی ایرانشناسان روس - بخش اول

(از قرن ۱۷ تا ۱۹)



ترجمه و تدوین: فرزانه شفیعی، مهدیه تاری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرهنگ روس

معرفی ایرانشناسان روس - بخش اول

(از قرن ۱۷ تا ۱۹)

معرفی ایرانشناسان روس – بخش اول

(از قرن ۱۷ تا ۱۹)

ترجمه و تدوین: فرزانه شفیعی، مهدیه تاری

صفحه بندی و گرافیک: امین امینیان

نشانی: مسکو، ۱۱۷۰۴۹، خیابان گیلاروفسکایا، شماره ۵۵

ساختمان رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران

تلفن: (۳۰/۳۱/۳۲) ۹۸۸۵۲۲۹-۴۹۵-۰۰۷

نمابر: ۹۸۸۵۲۲۸-۴۹۵-۰۰۷

پست الکترونیکی: ccir@list.ru

نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

- سخن نخست ۶
- تاریخچه ایرانشناسی ۸
- اولین سفر ثبت شده روس ها به سرزمین ایران باستان ۲۳
- معرفی ایران شناسان روسیه از قرن ۱۷ تا ۱۹ ۲۶
- گئورگی یا کولویچ کرر ۲۶
- میرزا جعفر توپچباشف ۲۷
- الکساندر کاسیمویچ کاظم بیک یا میرزا کاظم بیک ۳۱
- ایلیا نیکلایویچ برزین ۴۶
- کارل گنریخویچ زالمان ۵۱
- ولاد میر آندریویچ کاساگوسکی ۵۳
- ایوان دیوسینویچ یا گلو ۵۴
- بوتچیک میخایل میخیلویچ ۵۶
- آقافانگل افیمویچ کریمسکی ۵۷
- اسماعیل نومانویچ لمانوف ۶۰
- لئون فادویچ تیگرانف ۶۲
- ولادیمیر فنودورویچ مینورسکی ۶۳
- ولادیمیر گنادیویچ تاردوف ۶۴
- توفیق گاوریلویچ کزما ۶۸

- ۶۹..... لو الکساندروویچ زیمین
- ۷۲..... سرگی کنستانتینوویچ پاستوخف
- ۷۴..... سعید عبدولمنانویچ وحیدوف
- ۷۴..... نیکلای نیکلایوویچ فدورو
- ۷۵..... کنستانتین ایوانویچ چایکین
- ۷۸..... یوگنی ادواردوویچ برتلس
- ۷۹..... ولادمیر پتروویچ استروف
- ۸۱..... پاول نیکیفوروویچ لازیف
- ۸۲..... گئورگی واسیلوویچ شیتف
- ۸۴..... الکساندر سمنوویچ استرلکف
- ۸۷..... باریس نیکلایوویچ زاخادر
- ۸۹..... واسیلی الکساندروویچ ابرمان
- ۹۲..... ابوالقاسم زارع
- ۹۴..... پیتر پاولوویچ بوشف
- ۹۶..... الکساندر میخایلوویچ کاسایف
- ۹۷..... والنتین آلکساندروویچ ژوکفسکی
- ۱۰۱..... مصاحبه با گران آوانس واسکانیان

سخن نخست

نگاه و اندیشه غربیان در تمام طول تاریخ همیشه متوجه شرق و شرقیان بوده است. واژه شرق و شرق شناسی را از چندین منظر می توان به نظاره نشست.

در میان محققان و نویسندگانی که در این باره پژوهش هایی به انجام رسانده اند همیشه اختلاف نظرهایی در خصوص مسائل مربوط به پدیده شرق شناسی وجود دارد.

دهخدا در لغت نامه می نویسد: « پژوهش های علمی دانشمندان غربی درباره ملل، تمدن، مذاهب، ادبیات و تاریخ مشرق زمین را شرق شناسی می گویند، بر این اساس شرق شناسان نیز دانشمند باختری است که در فرهنگ و تمدن خاوریان به تحقیق و تفحص می پردازد.»

شرق شناسی به نوبه خود شاخه های متعددی را در بر می گیرد که از جمله آن می توان به ایران شناسی اشاره داشت. ایران شناسی، مطالعه فرهنگ و تاریخ ایران زمین را می گویند. در حقیقت ایران شناسی شاخه منظمی از دانش است که به مطالعه دانش فرهنگی ایران از زمان باستان تا حال می پردازد (شامل ایران شناسی کهن و ایران شناسی نو). این فرهنگ شامل تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران کهن و ایران نو می شود. علاوه بر این در این شاخه به مطالعه زبان های ایرانی نیز پرداخته می شود. ایران شناسی محدوده جغرافیایی کشورهای امروزی ایران، افغانستان و تاجیکستان را شامل می شود.

در این کتاب فرهنگ روس به تاریخ شرق شناسی و ایران شناسی در روسیه به تفصیل پرداخته ایم. این جلد را به دانشمندان و محققانی اختصاص دادیم که برای اولین بار در تاریخ روسیه به موضوع ایران شناسی در مبحث شرق شناسی توجه نشان دادند.

از آنجا که فهرست محققین این رشته تحقیقاتی بسیار گسترده می باشد، در جلد اول تنها به معرفی آن دسته از افرادی پرداختیم که تا قرن ۱۹ فعالیت داشتند و در جلد دوم شما را با محققین قرن ۲۰ به بعد آشنا می نمایم.

تاریخچه ایرانشناسی

پیدایش علاقه مردم روسیه به فرهنگ ایران به قرن ۱۵ میلادی برمی گردد، زمانی که آفاناسی نیکیتین^۱ جهانگرد معروف روسیه به ایران سفر کرد و گزارشی از سفر خود نوشت. اما یادگیری زبان فارسی در روسیه از اوایل قرن ۱۸ میلادی آغاز گردید.

به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی روسیه، همیشه افرادی وجود داشته اند که برای تجارت یا با اهداف سیاسی و یا حتی به دلیل علاقه شخصی یا نسبی به زبان های شرقی توجه نشان داده اند. تدریس زبان های شرقی و تحقیقات علمی در حوزه شرقشناسی در روسیه از زمانی آغاز شد که اولین مدرسه زبان های شرقی تاسیس گردید و اولین فعالان علمی ظهور کردند. در دوران پتر کبیر اقدامات بسیاری برای توسعه و مدرن سازی سرزمین روسیه صورت گرفت که یکی از نتایج آن تاسیس مدرسه ای جهت آموزش عملی زبان های شرقی بود. در میان زبان های شرقی بیشتر از همه به زبان ژاپنی توجه می شد. با این هدف، سال ۱۷۰۵ در سنت پترزبورگ مدرسه ای گشایش یافت و مردان جوان عازم سرزمین های پارس، ترکیه، مغولستان و چین شدند. سال ۱۷۲۷ معاهده ای میان روسیه و چین به امضا رسید که طی آن هیاتی از روسیه به طور دائم در

^۱ Nikitin Afanasi

پکن حضور داشت. این هیات متشکل از سه روحانی و شش دانشجو برای فراگیری زبان چینی بود.

از میان افراد روحانی و غیر روحانی حاضر در هیات روس که پس از مدتی حضور در این کشور تعویض می شدند، چین شناسان بسیار متبحری بروز کردند. از سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۶۶ چهار جلد کتاب با عنوان «آثار اعضای هیات روحانی روسیه در پکن» به دست آمد. این کتاب ها شامل مقالاتی بسیار جالب در خصوص تاریخ چین می باشند. علاقه به رشته سکه شناسی و باستان شناسی شرق نیز در دوران پتر کبیر شکل گرفت. در سال ۱۷۲۲، پتر به بررسی خرابه های تاریخی به جای مانده در کناره ولگا پرداخته و اقداماتی را برای حفظ و نگهداری آنها آغاز کرد. وی دستور ترجمه مطالب بدست آمده در این منطقه که شامل ۵۰ کتیبه به زبان های عربی، تاتاری و ارمنی می شدند را صادر نمود. ترجمه ها در سال ۱۷۷۱ به صورت چاپی منتشر شده و تحت عنوان «یادداشت های روزانه سفر به استان های مختلف روسیه» توسط ایوان ایوانویچ لیپخین^۲ گیاه شناس و جهانگرد روس عرضه شد. در این میان، دانیل گوتلیب میسرشمیدت^۳ نیز سال ۱۷۲۷ برای انجام تحقیقات در «دوران سیبری باستان» عازم این منطقه گردید. وی در سال ۱۷۲۷ به سنت پترزبورگ بازگشت. این سفر اولین ماموریت علمی به آسیا بود که حاصل آن یادداشت های روزانه

^۲ Ivan Ivanovich Lipekhin

^۳ Daniel Gotlib Messerschmidt

میسرشمیدت است که به زبان آلمانی بود و به همان شکل دست نویس باقی ماند؛ بخش هایی از آن به زبان روسی برگردانده شده و توسط واسیلی و اسیلویچ رادلوف^۴ جهانگرد و شرقشناس روس با عنوان «سیبری باستان» منتشر شد. این نوشته سال ۱۸۸۸ در سنت پترزبورگ به چاپ رسید.

میسرشمیدت در شهر توبولسک^۵ از اسیران سوئدی نسخه های خطی خان ابوالقازی^۶ با نام «تاریخ ترک ها» را به دست آورد. همین نسخه های خطی تبدیل به منبعی بسیار مهم برای تاریخ آسیای میانه گردید. پس از آن اقداماتی برای حفظ کتب شرقی و نسخه های خطی شرقی در طول مبارزات سرزمین پارس (۲۳-۱۷۲۲) انجام گرفت. زبان های شرقی در آکادمی علوم جایی برای خود پیدا کردند و برای تدریس این زبان ها استادانی به نام های گتلیب زیگفرید بایر^۷ زبان شناس و مورخ آکادمی علوم سنت پترزبورگ (متوفی به سال ۱۷۳۸) و گیورگی یاکولویچ کر^۸ اولین خاور شناس روس و استاد زبان های شرقی (متوفی به سال ۱۷۴۰) دعوت شدند. گیورگی کر از سال ۱۷۳۵ مشغول بررسی اشیا و مطالبی بود که در موزه کوستکامرا^۹ سنت پترزبورگ قرار داشت. این موزه شامل مجموعه ای از اشیا کمیاب بود و به نوعی موزه مردم شناسی محسوب می شد. موزه توسط پتر اول تاسیس شده و به نام وی نیز نام گذاری گردید. در این موزه، گیورگی کر بیشتر سکه های شرقی را مورد بررسی قرار می داد. آثار وی به

^۴ Vasil Vasilevich Radlov

^۵ Tobolsk

^۶ تاریخ شناس، اولین نویسنده از یک و مبدع زبان ادبی-شعری کلاسیک ازبکی

^۷ Gotlib Zigfrid Baer

^۸ Georgi Iakovlevich Ker

^۹ Kustkamera

صورت نسخه های خطی باقی مانده اند، وی از مطالب جمع آوری شده خود مقاله‌ای در قالب تشریح این کلکسیون نوشت و در سال ۱۷۴۵ به چاپ رساند. در کتاب وی فهرستی از سکه های شرقی تحت عناوین زیر به چشم می خورد:

"Numi chinenses, indici, ebraei, tatarrici, persici, arabici, turcici"

پروژه جالب توجه «آکادمی آسیا» که سال ۱۷۳۳ توسط گیورگی کر معرفی شد، تحقق پیدا نکرد. با گسترش دانش روس ها در حوزه آسیا و افزایش روابط دیپلماتیک و تجاری، نیاز برای باز گشایی مدارس زبان شرقی و یا توسعه برنامه های سابق آموزش زبان های شرقی شدت گرفت. در عین حال، موفقیت علوم اروپایی در روسیه به طور جالب توجهی با موفقیت های شرقشناسان در این رشته مصادف شد؛ در میان دانشمندان اروپایی که به روسیه دعوت شده و همچنین در میان فارغ التحصیلان دانشگاه های روسیه که برای بالابردن سطح دانش خود راهی سایر کشورها شده بودند، خاورشناسان نیز حضور داشتند. مرزبندی دقیق میان این دو خط مشی هیچ گاه ممکن نگردید؛ از یک طرف، نمایندگان علوم تا آخرین لحظات زندگی خویش به دنبال اهدافی بودند که در زیر پوشش تدریس این زبان ها قرار داشت؛ از طرف دیگر، اساتید و شاگردان مکاتب و مدارس، در ردیف دانشمندان قرار گرفته و گاه در اروپا نیز از شهرت برخوردار می شدند. تاثیر علوم اروپا خصوصا خود را در آن شاخه هایی از شرقشناسی نشان داد که در اروپای غربی بیشتر مورد بررسی قرار می گرفت

(زبان های سامی). برای روسیه مطالعه چین و آسیای میانه بیش از سایر مناطق قابل دسترسی بود. آموزش زبان های شرقی بیش از همه در دوران حکومت یکتارین دوم توسعه پیدا کرد. در سال ۱۷۶۹، دوره های آموزش زبان تاتاری در مدرسه قازان افتتاح شد؛ در این میان، ساییت خلفین^{۱۰} در سال ۱۷۷۸ کتابی تحت عنوان «حروف الفبای تاتاری» را در مسکو منتشر نمود. این اولین کتاب آموزش زبان شرقی به زبان روسی بود. طبق فرمانی که در سال ۱۷۸۲ منتشر شد، در تمام مدارس ملی منطقه کالیوان^{۱۱} و ایرکوتسک^{۱۲} بایستی زبان چینی تدریس می شد، و در سایر استان ها نیز که به تاتارستان، سرزمین پارس و بخارا نزدیک بودند، تدریس زبان عربی الزامی گردید. در سال ۱۷۸۹، «مدرسه آسیایی» در منطقه اُمسک^{۱۳} برای تربیت مترجمین زبان های تاتاری، مغولی و منچوری تاسیس شد. پس از افزایش شمار مدارس در قرن نوزدهم، در برخی از این مدارس که دارای دانش آموزان غیر روس نیز بودند، تدریس زبان های شرقی آغاز گردید. البته، در مدارس قازان کلاس های آموزش زبان های شرقی شدت و حدت بیشتری داشته و زبان های تاتاری، عربی، فارسی، مغولی، چینی، عربی و منچوری تدریس می شدند. طبق آیین نامه سال ۱۸۳۶، کلاس های زبان های شرقی به سه گروه تقسیم شده بودند: زبان های عربی - فارسی، ترکی - تاتاری - فارسی و مغولی - ترکی - تاتاری؛ دانش آموزانی که به تحصیل در مدرسه زبان های شرقی مشغول بودند، از زبان های یونانی، اسلاوی، آلمانی،

^{۱۰} Cait Khalafin

^{۱۱} Kolivan

^{۱۲} Irkutsk

^{۱۳} Omsk

ریاضیات، طراحی و رسم و نقاشی معاف بودند. تدریس زبان های شرقی به غیر از زبان تاتاری، در سال ۱۸۵۷ در مدارس ممنوع اعلام شد.

در بسیاری از سمینارها و موسسات عالی دینی زبان های شرقی محلی به ویژه زبان تاتاری تدریس می شدند؛ آکادمی دینی قازان جزو آکادمی هایی بود که به خوبی درخشید. در سال ۱۸۴۵، گروه زبان های شرقی آکادمی به دو بخش تقسیم شد؛ گروه زبان های مغولی - کالمیکی و ترکی - تاتاری. طبق آیین نامه سال ۱۸۸۴، نیز زبان های مغولی و تاتاری به دو گروه مجزا تفکیک شدند. جامعه ارتدوکس فلسطین با انتشاراتی که انجام می داد، بر اهمیت خدمات شرقشناسی تاکید می کرد.

در مجموع قرن هجدهم برای خاورشناسان چندان دستاورد بزرگی به جای نگذاشت. دو سفر تحقیقاتی بزرگ به آسیا انجام گرفت که با هدف تولید مطالب طبیعی - تاریخی و قوم شناسی بود. این تحقیقات برای رشته شرقشناسی بسیار سودمند واقع شدند. نتیجه سفر اول، نوشته گرهارد فردریک میلر^{۱۴} (شرح پادشاهی سیبری و وقایع آن دوره، منتشر شده در سنت پترزبورگ، سال ۱۷۵۰) و یوهان ابرگارت فیشر^{۱۵} (تاریخ سیبری، منتشر شده در سنت پترزبورگ، سال ۱۷۷۴) بود؛ و نتیجه سفر دوم وی «مجموعه یادداشت های تاریخی در خصوص

^{۱۴} Gerhard Fredrik Miller

^{۱۵} Uoan Ebergart Fisher

اقوام مغول» بود که توسط پیتر سیمون پالاس^{۱۶} ۱۷۴۱-۱۸۱۱ دانشمند و جهانگرد آلمانی که پیرو علوم طبیعی بود - به زبان آلمانی نوشته و سال ۱۷۷۶ در سنت پترزبورگ به چاپ رسید.

میلر اثر دیگری نیز در زمینه زبان شناسی از خود به جای گذاشته است: «اقوام بی دینی که در قازان زندگی می کنند؛ چرمیس ۱۷، چاش، واتیاک» همراه با ضمیمه واژه های متعدد به هفت زبان: زبان مردم قازان - تاتار، چرمیس، چواشی، واتیاک، پرم ۱۸ و زیریانسک ۱۹. این کتاب در سال ۱۷۴۳ نگارش شده و در سال ۱۷۹۱ منتشر گردیده است. در سال ۱۸۱۰ سرگی سیمیونویچ اورارو^{۲۰}، رئیس آکادمی علوم سنت پترزبورگ و فعال دولتی روس به منظور ارتباط میان دانشگاه و شرقشناسی پروژه ای را با مضمون بررسی نسخه های خطی و سکه هایی باستانی به موزه آسیایی ارایه داد، اما مورد تایید قرار نگرفت، با این وجود، سال ۱۸۰۱ فرن در زمره اساتید دانشگاه پذیرفته شد و سال ۱۸۳۰ زبان های شرقی اجازه ترویج و تدریس یافتند. از سال ۱۸۰۴ نیز تدریس این زبان های در آیین نامه دانشگاه وارد شد و بدین ترتیب، زبان های شرقی به دانشگاه مسکو، قازان، خارکوف (واقع در اوکراین) راه یافتند. از میان این زبان های شرقی می توان به زبان عربی و فارسی اشاره نمود. در دانشگاه دولتی مسکو، الکساندر

^{۱۶} Petr Simon Palas

^{۱۷} Cheremis

^{۱۸} Perm

^{۱۹} Ziriansk

^{۲۰} Cergei Cemionovich Yvarov

واسیلویچ بالدیرف^{۲۱} مدیریت گروه زبان های شرقی را بر عهده گرفت. وی متولد سال ۱۸۱۱ و متوفی به سال ۱۹۳۷ است.

بالدیرف را می توان اولین عرب شناس روس و مولف اولین دستور زبان عربی به روسی و همچنین اولین مجموعه گلچین های ادبی در زبان عربی و فارسی نامید. بالدیرف همانند تمامی شرقشناسان زمان خود شاگرد آنتوان ایساک بارون سیلوپستر د - ساسی^{۲۲}، زبان شناس و شرقشناس فرانسوی بود. در آن دوره، آموزش زبان های شرقی بیش از همه در قازان رواج پیدا کرده بود. گروه زبان این دانشگاه در سال ۱۸۰۷ توسط فرن که دانشمندی برجسته بود، اداره می شد. در سال ۱۸۲۸ گروه زبان ترکی - تاتاری تاسیس شد که مدیریت آن را الکساندر کاسیمویچ کاظم بیک^{۲۳} به عهده گرفت. وی در کنار اسیپ یولیان ایوانویچ سنتکوفسکی^{۲۴} شرقشناس، سیاست شناس و کلکسیونر اهل لتونی یکی از پایه گذاران اصلی مکتب شرقشناسی روسیه به شمار می رفت. طبق آیین نامه سال ۱۸۳۵، بخش زبان های شرقی در دانشگاه کازان به سه گروه تقسیم شد: گروه عربی - فارسی، عربی - ترکی و مغولی - سانسکریت؛ کمی بعد به آن زبان های چینی و عربی نیز افزوده شد. سپس گروه های زبان مغولی (سال ۱۸۳۳)، چینی (سال ۱۸۳۷)، ارمنی (سال ۱۸۳۹)، سانسکریتی (سال ۱۸۴۲) و

^{۲۱} Aleksandr Vasilevich Baldiref

^{۲۲} Antoan Issak Baron Silvester De- sasi

^{۲۳} Aleksandr Kasimovich Kazembeik

^{۲۴} Osip Ulian Ivanovich Senkovski

منچوری (سال ۱۸۴۴) نیز اضافه گردید. زبان شرقی در دانشگاه سنت پترزبورگ به مرور بیش از پیش توسعه یافت. سال ۱۸۱۷ در انستیتوی تربیت مدرس از دمانژ ژان فرانسوا^{۲۵}، فرانسوا برنار شارموآ^{۲۶} شرقشناسان فرانسوی که شاگردان مستقیم سیلوستر د- ساسی بودند، دعوت به همکاری شد. پس از تاسیس انستیتو، شارموآ تا سال ۱۸۲۲ و با یک توقف، مجدداً از سال ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۵ در دانشگاه به تدریس زبان فارسی می پرداخت. قابل ذکر است که شارموآ تحصیلات خود را تحت نظر میرزا جعفر تاپچیباشف^{۲۷} دانشمند شرقشناس آذربایجانی (اهل گنجه) به پایان رسانده بود؛ آنها به طور فوق العاده‌ای در تکمیل یکدیگر می کوشیدند و جایگاه تدریس زبان را تا حد زیادی بالا بردند. سنتکفسکی در آن زمان به جای دمانژ نیز مشغول به تدریس شد. دروسی که او در دانشگاه ارایه می کرد رد پای بسیار محکم و عمیق از خود به جای گذاشت. سنتکفسکی در آن زمان مشغول فراگیری زبان عربی و ترکی نیز بود. وی بدون معلم به فراگیری دانش می پرداخت و سفر وی به شرق در تکمیل دانشش بسیار موثر افتاد؛ او با دروسی که در دانشگاه ارایه می کرد، به خوبی توانسته بود دانش جویان را به این رشته جذب کرده و آغازگر مکتب کاملی از شرقشناسی باشد، اگرچه در میان گروه‌های آخر شاگردان وی، هیچ عرب شناس برجسته‌ای بیرون نیامد.

^{۲۵} Demanj Jan Fransua

^{۲۶} Fansua Bernar Charmoy

^{۲۷} Mirza Jafar Topchibashev

در سال ۱۸۳۵ گروه زبان های مغولی و ترکی تاسیس شدند؛ اما در سال ۱۸۵۴ دانشکده زبان های شرقی و مجموعه علمی آن از شهر قازان به سنت پترزبورگ تغییر مکان دادند. دانشکده همان مسیر قبل را در سنت پترزبورگ پیش گرفت، اما فعالیت آن کمی تغییر کرد. در دانشگاه سنت پترزبورگ از اساتید خواسته شد که زبان های عربی و فارسی را محدود به نیاز روسیه در خصوص روابط تجاری و صنعتی آن کنند. در هنگام بازنگری آیین نامه سال ۱۸۶۳، دو تن از اساتید دانشگاه به نام های گریگوروف واسیلی واسیلویچ^{۲۸} و کاسویچ کایتان آندریویچ^{۲۹} شرقشناسان روس نامه‌ای به منظور ایجاد یک سری تغییرات در دانشکده نوشتند. از جمله تغییرات پیشنهادی ایشان، تغییر نام «دانشکده زبان‌های شرقی» به «دانشکده شرقی» بود. منظور آنان از چنین پیشنهادی این بود که آموزش دانشگاه تنها به زبان محدود نباشد، بلکه علوم شرق نیز در برنامه‌های درسی گنجانده شود. از جمله پیشنهادات دیگر ایشان اضافه کردن دروس «تاریخ و فرهنگ آشوریان و مصر بود. ایجاد این تغییرات می‌توانست سطح علمی دانشگاه را بالا برده و اهداف آنان را تامین کند. از سال ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۳ تاریخ اقوام آریایی توسط شرقشناسی به نام ملگونوف^{۳۰} تدریس می‌شد. از سال ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۹ نیز تاریخ سرزمین پارس توسط کروپه پتروویچ پاتکانوف^{۳۱} شرقشناس

^{۲۸} Grigoriev Vasili Vasilevich

^{۲۹} Kassovich Kaetan ANDreevich

^{۳۰} G.V. Melgunov

^{۳۱} Kerope Petrovich Patkanov

روس تدریس می گردید. در این میان واسیلی پاولویچ واسیلف^{۳۲} و سرگی میخایلوویچ گیورگیفسکی^{۳۳} شرقشناس متخصص در زمینه تاریخ و فرهنگ چین و دمیتری ماتویویچ پازدنیف^{۳۴} در دوران مختلف به تدریس تاریخ و فرهنگ چین پرداخته‌اند. دوره‌های تاریخ ادبیات (عربی، فارسی، عثمانی، چینی، عبری، ارمنی و گرجی) نیز توسط اساتید مختلف زبانشناسی ارائه می‌شد. برای بالابردن سطح تدریس رشته‌های شرقشناسی، بارون ویکتور رومانویچ روزن^{۳۵} چندین مرتبه بر لزوم تاسیس گروه‌های زبان‌های شرقی در سایر دانشکده‌های تاریخ - زبانشناسی (به عنوان درس اجباری) تاکید کرده بود.

همانگونه که اشاره شد، یکی از موثرترین عوامل در توسعه شرقشناسی روسیه، فعالیت‌هایی بود که جامعه باستان‌شناسی دوره امپراطوری روسیه انجام می‌دادند. یکی از بخش‌های این جامعه باستان‌شناسی، به بررسی آثار باستانی شرق می‌پرداخت. سلسله تحقیقات ارزشمند این بخش از سال ۱۸۵۵ به صورت مکتوب به جای مانده است. به طور کل این آثار هم در خصوص باستان‌شناسی و هم شرقشناسی می‌باشند. بارون ویکتور رومانویچ روزن عرب‌شناس روس در سال ۱۸۸۶ اقدام به تاسیس بخشی با نام «یادداشت‌های بخش شرقی جامعه باستان‌شناسی» کرد که این بخش در سال‌های بعد خدمات بسیار ارزنده‌ای را به شرقشناسی روسیه ارائه داد.

^{۳۲} Vasili Pavlovich Vasilev

^{۳۳} Sergei Mikhailovich Georgevich

^{۳۴} Dmitri Matveevich Pozdneev

^{۳۵} Viktor Romanovich Rozen

در میان انتشارات کمیسیون باستان شناسی امپراطوری، آثار ارزشمندی در خصوص باستان شناسی و تاریخ شرق به چشم می خورد. در جامعه باستان شناسی امپراطوری در مسکو، کمیسیونی تشکیل شده بود که از سال ۱۸۸۹ آثار خود را تحت عنوان «تاریخ شرق» منتشر می کردند. آثار و مقالات شرقشناسان سایر استان ها هم در مجموعه ای با نام «یادداشت های علمی» در اخبار جامعه باستان شناسان، تاریخ و قوم شناسی در دانشگاه قازان منتشر می شد.

سال ۱۸۹۵ در شهر تاشکند گروهی به نام «گروه ترکستانی های علاقه مند به باستان شناسی» دور هم جمع شدند که «پروتکل» های خود را منتشر می کردند. امروز می توان اطلاعات ارزشمندی در خصوص شرقشناسی در آثار این گروه پیدا کرد. از دیگر آثار ارزشمندی که می توان در اینجا بدان اشاره کرد، برخی متون شرقی و مجموعه ترانه‌هایی است که توسط نیکلای نیکلایویچ پانتوسف^{۳۶} شرقشناس معاصر روس جمع آوری شده است. علاوه بر آن فهرستی از مهمترین آثار روس ها در شاخه های مختلف شرقشناسی تهیه گردیده است. در رابطه با زبان عربی نیز کارهای مفیدی صورت گرفته است که از جمله آنها می توان به بهترین کتاب دستور زبان عربی به زبان روسی تحت عنوان «تجربه دستور زبان عربی» نوشته میخائیل تیموفیویچ ناوروتسکی^{۳۷} شرقشناس روس متخصص در زمینه عرب شناسی اشاره داشت که سال ۱۸۶۷ در سنت پترزبورگ

^{۳۶} Nikolai Nikolaevich Pantoosov

^{۳۷} Mikhail Timufeevich Navrotski

به چاپ رسید. علاوه بر این، «برگزیده آثار عرب» کار مشترک ولادیمیر فئودوروویچ گیرگاس^{۳۸} شرقشناس متخصص در عرب شناسی و بارون ویکتور رومانویچ روزن طی سال های ۷۶-۱۹۷۵ در سنت پترزبورگ منتشر شده است. تحقیقات عرب ها در خصوص اقوام روس، اسلاو و اقوام ساکن در روسیه، معمولاً موضوع تحقیقات تخصصی ریشه شناسان روس را تشکیل می داد.

آورام یاکولویچ گرکاوی^{۳۹} عبری شناس روس نیز اثری با نام «داستان های نویسندگان روس درباره اسلاوها و روس ها» دارد که سال ۱۸۷۰ در سنت پترزبورگ به چاپ رسید. آریست آریستویچ کونیک^{۴۰} مورخ روس به طور مشترک با بارون روزن کتابی با عنوان «یادداشت های البکری و سایر مولفین در خصوص سرزمین روس و اسلاوها» نوشتند که سال ۱۸۷۸ در سنت پترزبورگ چاپ شد. بارون ولادیمیر گوستاوویچ تیزنگاوزن^{۴۱} مجموعه ای از یادداشت های عربی در خصوص اردوی طلایی جمع آوری کرد که با عنوان «مجموعه مطالب مربوط به تاریخ اردوی طلایی» سال ۱۸۸۴ در سنت پترزبورگ چاپ شد. الکساندر الکساندروویچ واسیلیف^{۴۲} عرب شناس روس کمی بعدتر به بررسی منابع عربی در خصوص تاریخ ویزانتی^{۴۳} پرداخت و مطلب خود را تحت عنوان «سالنامه ویزانتی» منتشر کرد. بارون روزن همین موضوع را در رساله فوق دکتری خود با

^{۳۸} Vladimir Feodorovich Girgas

^{۳۹} Avram Iakovlevich Garkavi

^{۴۰} Arist Aristovich Kunik

^{۴۱} Vladimir Gustavovich Tizengauzen

^{۴۲} Aleksandr Aleksandrovich Vasilev

^{۴۳} (۱۴۵۳-۳۹۵) این دوره در سال ۳۹۵ در پی اتمام تقسیمات امپراطوری روم و پس از مرگ امپراطور فئودوسیا در بخشهای غربی و شرقی آغاز گردید.

عنوان «امپراتور واسیلی بالگاروبویتسا»^{۴۴} برگزید و سال ۱۸۸۳ در سنت پترزبورگ به صورت کتاب به چاپ رساند. یکی از کارهای با ارزش بخش شرقشناسی سنت پترزبورگ انتشار مطلبی تحت عنوان «خاطرات دیپلمات ها و تاجران روس در بازدید از سرزمین پارس» بود. این اثر در ده و دوازده بخش به چاپ رسید. ایلیا نیکلایویچ برزین^{۴۵} ترک شناس و ایران شناس روس یکی از مهمترین تالیفات تاریخی زبان فارسی را تحت عنوان «سالنامه تاریخی» رشید الدین فضل الله همدانی را به زبان روسی برگرداند. این اثر در فهرست آثار بخش شرقشناسی چاپ شد. بهترین مونوگرافی در خصوص تاریخ آسیای میانه به واسیلی آندریویچ ژوکفسکی^{۴۶} شاعر و منتقد روس قرن هجده تعلق دارد که با عنوان «تاریخ مناطق خزر، ویرانه های قدیمی مرو» سال ۱۸۹۴ در سنت پترزبورگ منتشر شد.

باریس آندریویچ درن^{۴۷} شرقشناس آلمانی تبار روس در خصوص قید های زبان و همچنین تاریخ مناطق اطراف دریای خزر تالیفاتی به زبان آلمانی دارد. کارل گنرویچ زالمان^{۴۸} ایران شناس روس به همراه ژوکفسکی به بررسی دستور زبان فارسی پرداختند و سال ۱۸۸۹ در برلین به چاپ رساندند. سال ۱۸۹۰ کتاب دستور زبان فارسی این دو شرقشناس به زبان روسی برگردانده و منتشر شد.

^{۴۴} Vasili Bolgaroboitza

^{۴۵} Ilia Nikolaevich Brezin

^{۴۶} Vasily Andreyevich Zhukovsky

^{۴۷} Boris Andreevich Dorn (Johannes Albrecht Bernhard Dorn)

^{۴۸} Karl Genrovich Zaleman

رساله دوره فوق دکتری ژوکفسکی نیز تحت عنوان «مطالبی برای بررسی قیود در زبان فارسی» سال ۱۸۸۸ در سنت پترزبورگ توجه تمام ایرانشناسان اروپایی را به خود جلب کرد.

یکی از مهمترین کارهایی که در سال های ۹۸-۱۸۹۶ انجام گرفت ، تدوین «فرهنگ بیوگرافی پروفیسورها و مدرسین دانشگاه سنت پترزبورگ در دوران امپراطوری» بود که توسط واسیلی ولادیمیرویچ بارتلد^{۴۹} شرقشناس، متخصص در زبان عربی، اسلام شناس، زبان شناس و مورخ روس تهیه گردید.

^{۴۹} Vasili Vladimirovich Bartold

اولین سفر ثبت شده روس ها به سرزمین ایران باستان

نیکیتین آفاناسی^{۵۰} تاجر روس اهل منطقه تور^{۵۱}، اولین کسی بود که حضور خود را در سرزمین پارس و هندوستان به رشته تحریر درآورد. وی در یادداشت های کنجکاوانه خویش تحت عنوان «یادداشت های آفاناسی تاجر توری» به تشریح چهار سال حضور خود در هندوستان و دیدار با «واسیلی پاپین^{۵۲}» می پردازد. یادداشت های وی به طور کامل در مجموعه «سالنامه سوفیا» قرار گرفته است. این نسخه خطی متعلق به سال ۱۴۷۵ می باشد.

نیکیتین که شخصی کنجکاو و مبتکر بود، در سال ۱۴۶۶ با مطلع شدن از وجود سفارت روسیه در شهر شماخی واقع در آذربایجان، همراه با یکی از دوستانش عازم این منطقه می شود. در یادداشت های وی به شنا در رودخانه ولگا و مبارزه با تاتارها، اسارت و آزادی به درخواست سفیر وقت روسیه پاپین و شیروان شاه اشاره شده است. اولین سفر نیکیتین به شرق از زمستان ۱۴۶۷ تا بهار ۱۴۶۹ ادامه پیدا کرد. در این سفر او از سرزمین پارس عبور کرده و تا سواحل خلیج فارس به پیش رفته است. پس از آن تا فوریه ۱۴۷۲، نیکیتین با وجود خطرهای

^{۵۰} Nikitin Afanasi

^{۵۱} Tver

^{۵۲} Vasili Papin

که می توانست زندگی وی را تهدید کند، سفر خود را به مدت سه سال در هند ادامه داد. به خاطر از دست دادن تمام دارایی خود، غالباً در فقر و بی پولی به سر می برد. سومین سفر او در تابستان و بهار سال ۱۴۷۲ انجام گرفت. این سفر خود را در سرزمین پارس و ترکیه طی کرده و سپس از مسیر لتونی عازم سرزمین میهنی خود شد، اما هنوز به شهر تور نرسیده بود که درگذشت.

نیکیتین در یادداشت های خود به تمام مسایلی که به نحوی توجه وی را جلب کرده و حس کنجکاوی اش را برانگیخته بودند، اشاره داشته است. با زندگی در میان بومیان هندی، وی توانسته بود با دین ایشان، عادت ها و زندگی روزمره شان آشنا شود. نیکیتین دانسته های خود را در خصوص معادن الماس، تجارت، مسایل نظامی و حیوانات به تحریر درآورده است؛ آنچه که بیش از همه در هند توجه وی را جلب نمود، خاک آن منطقه، میمون ها و پرندگان پر رمز و رازی به نام هدهد بودند که برای هندوها معنای «مرگ» دارند. سفر نیکیتین ۲۵ سال قبل از عزیمت واسکو دا گاما^{۵۳} جهانگرد و کاشف پرتغالی بود که برای اولین بار از راه دریا از اروپا به هند رفت. اسماعیل ایوانویچ سرزنفسکی^{۵۴} شرقشناس برجسته روس یادداشت های نیکیتین را از نظر دقت نوشتار و توصیف در کنار یادداشت های واسکا دا گاما و گزارش های نیکلا د - کانتی^{۵۵} تاجر و جهانگرد ایتالیایی قرار داد.

^{۵۳} Vaska da gama

^{۵۴} Ismail Ivanovich Serzenovskii

^{۵۵} De- Konti

«سالنامه سوفی»

СОФІЙСКИЙ
ВРЕМЕННОКЪ,
ИЛИ
РУСКАЯ ЛѢТОПИСЬ
СЪ 862 ПО 1534 ГОДЪ.

ИЗДААН
НАВЕАН СТРОЕВЪ.

ЧАСТЬ ПЕРВАЯ,
СЪ 862 ПО 1425 ГОДЪ.

МОСКВА.
Въ Типографіи Свѣтла Сербановскаго.
1820.

«سالنامه سوفی» مجموعه اتفاقات مهم و غیر مهمی است که در محل کلیسای سوفی در شهر ناوگوراد جمع آوری شده است. این مجموعه سال هاست که به عنوان منبع برای بسیاری از نوشته‌ها و مقالات مورد استفاده قرار می‌گیرد. به اعتقاد برخی دانشمندان، این مجموعه توسط ماتوی میخایلو^{۵۶} جمع آوری شده و یادداشت‌های مربوط به مسایل خانواده خویش

را هم در آن گنجانده است. در ابتدای این مجموعه یادداشت‌هایی به چشم می‌خورد که قدمتشان حتی از اثر معروف «داستان سال‌های قدیم» نیز بیشتر می‌باشد.

^{۵۶} Matevi Mikhailof

معرفی ایران شناسان روسیه از قرن ۱۷ تا ۱۹

گئورگی یاکولویچ کرر^{۵۷}

اولین شرق شناس، سکه شناس و استاد زبان های شرقی روسیه



گئورگی یاکولویچ (گیورگ یاکوب کرر) در سال ۱۶۹۲م. در آلمان متولد شد. وی تحصیلات خود را در بخش زبان های شرقی شهر گال به پایان رساند. در محضر استاد بزرگی چون نگر سالامون ۵۸ به کسب علم پرداخت. سال ۱۷۲۲م. با معیار امروز، کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه لایپزیگ به پایان رسانده و از سال ۱۷۲۷م. در گروه زبان های عربی و اروپایی به کار علمی پرداخت.

وی سال ۱۷۳۲م. به دعوت گراف آندره ایوانویچ آسترمان ۵۹ راهی سنت پترزبورگ شد. از آنجایی که وی به چند زبان تسلط کافی داشت، کار خود را به عنوان مترجم زبان های عربی، فارسی و ترکی در وزارت امور خارجه این شهر (در آن زمان وزارت خانه نام نداشت) آغاز کرد. وظیفه دیگر وی در این شهر

^{۵۷} Georgi Iakovlevich Ker

^{۵۸} Negr Salamon

^{۵۹} Andre Ivanovich Osterman

آموزش زبان های مذکور به جوانان روس بود. پنج شاگرد وی پس از اتمام دوران تحصیل به خدمت دولت درآمد و پست های دیپلماتیک گرفتند. سال ۱۸۲۱م. فرن پروژه ای در آرشیو آکادمی علوم روسیه یافت. وی این پروژه را ضمیمه کتاب خود کرده و منتشر ساخت. پس از آن به طور غیر معلومی پروژه ناپدید شد و در نیمه دوم قرن بیستم زمانی که کرر بنیاد شخصی خود را تاسیس کرد، در آرشیو شرق شناسی دوباره پروژه پیدا شد.

سال ۱۷۳۳م. پروژه ای منحصر بفرد به نام «پروژه آکادمی یا جامعه علوم و زبان های شرقی در امپراطوری روسیه» توسط وی انجام گرفت، اما متأسفانه در آن زمان چندان توجهی به این کار نشد. سال ۱۷۳۵م. وی را برای بررسی علمی سکه های موزه کستکامرا به آکادمی علوم دعوت کردند.

گئورگی یاکولویچ سال ۱۷۴۰ م. در سنت پترزبورگ دار فانی را وداع گفت.

میرزا جعفر توچیباشف^{۶۰}

میرزا جعفر توچیباشف سال ۱۷۹۰م. در شهر گنجه پا به عرصه جهان گذاشته و در ۱۸۶۷م. در سنت پترزبورگ دیده از جهان فروبست. میرزا جعفر دانشمند شرق شناس و مشاور علمی برخی موسسات آموزش عالی از خانواده ای مسلمان در ماورای قفقاز متولد شد.

^{۶۰} Topchibashev

در دوران کودکی وی را به تفلیس فرستادند. در تفلیس زیر نظر استادی روحانی به فراگیری علوم مشغول شد. وی علاوه بر زبان آذری که زبان مادری وی بود، در زبان های فارسی و عربی نیز به تسلط کامل و تبحر رسید. وی همچنین زبان های گرجی و ارمنی را نیز به خوبی فرا گرفت. پس از آن جهت تکمیل دانش خود در خصوص شرق چندین مرتبه به مناطق شمال غربی سرزمین پارس سفر کرد.

به خاطر توانایی بالای وی در زبان فارسی، سال ۱۸۱۷م. به عنوان مترجم سفارت در شهر سنت پترزبورگ استخدام شد. توانایی و استعداد میرزا جعفر خیلی سریع توجه دولتمردان را به خود جلب کرده و به وی پیشنهاد تدریس زبان های خارجی در شعبه اصلی انستیتوی تربیت مدرس و همچنین دپارتمان آسیایی وزارت امور خارجه روسیه را دادند.

اول ژانویه سال ۱۸۱۹م.، میرزا جعفر توجیباشف رسما استاد زبان های خارجی در انستیتوی تربیت مدرس شد. پس از آن راهی دانشگاه سنت پترزبورگ گردید. هشتم فوریه همان سال میرزا جعفر استاد رسمی این دانشگاه شد.

هفت مارس سال ۱۸۲۳م.، به گروه زبان فارسی پیوست. از سال ۱۸۲۵م. کار تدریس را در بخش آموزش زبان های خارجی وابسته به دپارتمان آسیایی وزارت امور خارجه روسیه آغاز کرد.

از ۳۱ دسامبر سال ۱۸۳۵م. پس از برکناری پروفیسور ف. شارموا، میرزا جعفر رسما استاد زبان فارسی این بخش گردید. ۲۱ می سال ۱۸۴۳م. نیز مدیر گروه شد.

وی در کنار زبان فارسی، بر حسب لزوم، کلاس های زبان عربی و ترکی نیز برگزار می کرد. کار در دانشگاه که به دستور دپارتمان آسیایی انجام می گرفت، باعث شده بود که بسیاری از دانشجویان وی به بخش علمی زبان های شرقی گراییده شوند. مدیریت دپارتمان این تاثیر وی را بسیار ارج می نهاد. نیسلرود ۶۱ وزیر امور خارجه وقت در توصیف میرزا جعفر به «فعالیت های مفید وی در تربیت شرق شناسان و مترجمین روس» همیشه اشاره داشت.

به گواهی شاگردان وی، پس از واسیلی واسیلویچ گریگوریف، میرزا جعفر بهترین استاد بود. وی توانست تمام نیروی خود را به کار گرفته و به بهترین شیوه دانش خود را به شاگردانش انتقال دهد. او از موفقیت های شاگردانش بسیار شاد می شد و طوری به آنان زبان را می آموخت که بتوانند نه تنها به زبان روسی صحبت کنند، بلکه از واژگانی برازنده و زیبا استفاده کنند.

توپچیباشف توجه خاصی به هنر خطاطی شرق داشت و در این زمینه نیز از مهارتی خاص برخوردار بود. علاوه بر این، وی به تحلیل کتاب های نسخه های خطی به زبان شرقی پرداخت.

اوایل ژانویه سال ۱۸۴۹م. میرزا جعفر از رییس دانشگاه و دپارتمان آسیایی درخواست کرد که استعفای وی را بپذیرند. اما به درخواست آنان، میرزا جعفر همچنان تا آخر سال تحصیلی در هر دو بخش آموزشی به کار خود ادامه داد. روز

^{۶۱} Nesselrod

۲۴ مارس سال ۱۸۴۹م. حکم رسمی برکناری وی از دانشگاه صادر شد. در گروه زبان فارسی به جای توپچیباشف، کازم بیک را از دانشگاه قازان دعوت کردند.

اما دپارتمان آسیایی به میرزا جعفر اجازه استعفا نداد. به درخواست نیسلرود وزیر امور خارجه وقت و به خاطر خدمات شایسته توپچیباشف، روز ۲۹ ژانویه سال ۱۸۴۹م. امپراطور نیکلای اول حکم استعفای وی را از دانشگاه امضا کرده و دستور پرداخت بازنشستگی از طرف دانشگاه را برای وی صادر کرد.

میرزا جعفر توپچیباشف یکی از پایه گذاران جامعه باستان شناسی امپراطوری روسیه محسوب می شود. پس از تاسیس بخش باستان شناسی شرقی، در اولین نشست این بخش که روز ۱۳ آوریل سال ۱۸۵۱م. برگزار شد، توپچیباشف را برای اداره این بخش برگزیدند. این انتخاب نشان قدردانی و احترامی خاصی بود که اعضای بخش شرق شناسی برای وی قایل بودند. غالب اعضای این بخش را شاگردان سابق وی تشکیل می دادند.

به دلیل شرایط نامناسب جسمانی مجبور شد در فوریه سال ۱۸۵۵م. از این سمت کناره گیری کند. اما پس از کناره گیری از دانشگاه، با دپارتمان آسیایی تا ۱۸ سال همچنان همکاری داشت. کار در این بخش تا سال ۱۸۶۷م. که دیگر به طور کامل توانایی کار کردن را از دست داده بود، همچنان ادامه پیدا کرد.

میرزا جعفر تا پایان زندگی مفید خود، ارتباطش را با دانشگاه قطع نکرد. ۱۹ نوامبر سال ۱۸۶۸م. از رییس دانشکده حقوق درخواست کرد که یک حساب بانکی دولتی با سود پنج درصد به ازای هر هزار روبل افتتاح کنند. با مبلغی که

در این حساب جمع می شود، می توانند دو مرتبه در سال به بهترین کار علمی دانشجویی مبلغ صد روبل اهدا کنند.

مدال ها:

مدال آنای مقدس درجه دو با نشان تاج امپراطور

مدال ولادیمیر مقدس درجه سوم

مدال استانیسلاو مقدس درجه یک

مدال آنای مقدس درجه یک

مدال ایرانی شیر و خورشید درجه دوم

الکساندر کاسیمویچ کاظم بیک یا میرزا کاظم بیک

الکساندر کاسیمویچ کاظم بیک یا میرزا کاظم بیک (۱۸۷۰-۱۸۰۲ م.)، دانشمند شرقشناس روس و اولین رییس دانشکده زبان های شرقی وابسته به دانشگاه سنت پترزبورگ می باشد. وی را همچنین یکی از سازمان دهندگان برنامه های شرقشناسی در روسیه می دانند. به اعتقاد واسیلی واسیلویچ گریگوروا^{۶۲} شرق شناس متخصص در تاریخ و فرهنگ مغولستان، کاظم بیک یکی از آن افرادی بود که تحقیقات شرق را در زنجیره علوم دانشگاهی آورد، وی این رشته علمی را در

^{۶۲} Vasili Vasilevich Grigoreva

روسیه به سطحی رساند که چیزی از اروپا کم نداشت. الکساندر کاظم بیک شهروند و میهن پرست روس توانست «علم اروپا را با علم شرق درآمیزد». کاظم بیک زبان فارسی، آذری، روسی، تاتاری، ترکی، عربی، انگلیسی و فرانسه را در حد عالی می دانست و حتی به زبان های آلمانی و زبان های باستانی اروپا نیز تسلط داشت.

تحصیلات عالی وی، تا حدی مرهون استعدادهای خدادادی او بود. البته ذهن باز وی نیز کمک کرد تا هم در زمینه ترجمه آثار مختلف، هم در زمینه تحقیقات خویش، هم در حوزه زبانشناسی و شعر و هم در توصیف نسخه های خطی و قوانین مسلمانان به یک اندازه موفق باشد. میراث علمی کاظم بیک بسیار غنی و متنوع است. این میراث تا به امروز برای آثار علمی در حوزه های ترک شناسی، تاریخ و دین شناسی ایران اهمیت خود را حفظ کرده اند. خدمات بسیار کاظم بیک در تاسیس دانشگاه شرقشناسی در سنت پترزبورگ کمک کرد تا امروز شاهد دانش جویان و دانشمندان جوان زیادی در این حوزه باشیم.

سرنوشت کاظم بیک برایش مقدر کرده بود که راه زندگی همواره سخت و مملو از تجربیات مختلف باشد. او که فرزند یک روحانی مسلمان بود، در سال ۱۸۲۳ م. به دست مبلغین اسکاتلندی به دین پروتستان مسیحیت گروید و نام خود را الکساندر برگزید. این رفتار کاملاً غیر عادی وی به عنوان یک مسلمان، موجب ایجاد شکافی عمیق میان او و خانواده اش شد. او بدون اینکه تحصیلات خود را در دانشگاه به اتمام رسانده و مدرکش را دریافت کند، شروع به تدریس زبان های شرقی در قازان نمود. تنها ۲۶ سال داشت که به عضویت جامعه آسیایی

پادشاهی در لندن پذیرفته شد و پس از ۲ سال با نوشتن اثری به زبان فارسی در خصوص زبانشناسی عربی مدرک فوق لیسانس زبان های شرقی را دریافت کرد. این دانشمند تا پایان عمر عضو آکادمی علوم روسیه و دکتر افتخاری زبان های شرقی بود.

میرزا محمد علی کاظم بیک در ۲۲ ژوئن سال ۱۸۰۲م. در شهر رشت ایران دیده به جهان گشود. پدرش خواجه محمد کاسیم کاظم بیک برای انجام ماموریتی به این شهر سفر کرده بود. در منابع مختلف ملیت الکساندر کاظم بیک آذربایجانی، فارس یا تاتار آمده است. البته برخی منابع حاکی از این هستند که تا قبل از انقلاب روسیه، مردم فارس را آذری می گفتند. پدر کاظم بیک شیخ الاسلام منطقه دربند (واقع در روسیه) بود. سال ۱۸۱۱ م. تمام خانواده وی به این منطقه نقل مکان کرده بودند. محمد علی که استعداد زیادی داشت، در منطقه دربند به دوره های آموزش اعتقادات اسلامی می رفت و خیلی سریع توانست دوره را به اتمام برساند. او زبان فارسی و آذری را در خانواده فراگرفت و تقریباً هر دو را همچون زبان مادری خود به خوبی می دانست. طی سال های تحصیل او همچنین توانست زبان های عربی، روسی و ترکی را نیز فرا گیرد. در سن ۱۷ سالگی اولین اثر خود را با عنوان «تجربه دستور زبان عربی» به زبان عربی نوشت. پدر با دیدن این استعداد در فرزندش توجه خود را بیشتر به تحصیلات وی معطوف ساخت. او با آرزوی اینکه فرزندش جانشین وی شود، محمد علی را برای تحصیلات تکمیلی در علوم اسلامی راهی ایران و عربستان کرد. اما آرزوی

پدر محقق نشد. در سال ۱۸۲۰م، محمد علی با شیخ علی خان دربندی که آن زمان در عربستان پنهان شده بود، ارتباطات مخفیانه پیدا کرد. شیخ علی خان از مقام شیخ الاسلامی برکنار گردیده به دادگاه تحویل داده شده بود و بنا به حکم دادگاه به آستاراخان تبعیدش کرده بودند.

کاظم بیک در همان دوران جوانی با مبلغین مسیحی اسکاتلندی که از آشنایان پدرش نیز بودند، در منطقه دربند آشنا شد. طبق یادداشت هایی که از خود کاظم بیک باقی مانده است، او در گفتگو با این مبلغین وارد بحث های متعددی شد و سعی می کرد «حقیقت اسلام» را به آنان تفهیم کرده، آنان را از گمراهی نجات دهد. در همین مباحثات و تلاش ها بود که کاظم بیک با ماهیت مسیحیت هرچه بیشتر آشنا شد و شروع به فراگیری زبان های عبری و انگلیسی کرد. در سال ۱۸۲۱م. محمد علی برای ملاقات با پدر روحانی عازم آستاراخان شد. وی امیدوار بود که بتواند از آستاراخان رهسپار کشورهای شرقی شده و تحصیلات خود را به پایان برساند. اما در آستاراخان، او مجدداً با مبلغان اسکاتلندی روبرو شد و دوباره در جریان بحث و استدلال وارد شد. پس از این مبارزه دراز مدت درونی، کاظم بیک نهایتاً به دین مسیحیت گروید.

از آن زمان کاظم بیک همه جا خود را با دو نام می نامید «میرزا الکساندر کاظم بیک». او همراه با مبلغین در شهر آستاراخان ساکن شد و در ترجمه کتاب مقدس به زبان های شرقی ایشان را یاری می کرد. کاظم بیک طی سال هایی که با مبلغین به سر می برد، به بررسی علوم اروپا پرداخته و زبان های اروپایی را در حد بسیار عالی فراگرفت. در سال ۱۸۲۵م، به او پیشنهاد شد که برای اتمام

تحصیلات به انگلستان برود. اما دولت تزاری روسیه به وی اجازه خروج از کشور را نداد. دولت برای اینکه بتواند از کاظم بیک در اهداف خودخواهانه خویش بهره برد، به وی پیشنهاد کار در وزارت امور خارجه روسیه را داد. خدمت وی در این سمت چندان به طول نیانجامید و وی را از آن برکنار کردند: طبق دستور امپراطور، کاظم بیک از ۲۵ آگوست سال ۱۸۲۵م. به عنوان معلم زبان تاتاری در آموزشگاه آسیایی اُمسک^{۶۳} مشغول به کار شد.

دوره زندگی و فعالیت در قازان:

اوایل سال های ۱۸۲۶م. کاظم بیک در شهر امسک تدریس می کرد و در شهر قازان می زیست. در آن دوره وی با رییس دانشگاه قازان پروفیسور کارل فدوروویچ فوکس^{۶۴} آشنا شد. فوکس به این استاد جوان پیشنهاد داد که در قازان بماند و کلاس های زبان عربی و فارسی دبیرستان قازان را به عهده بگیرد. از ۳۰ ژانویه سال ۱۸۲۶م. کاظم بیک دیگر در دبیرستان به فعالیت نپرداخت و پس از آن فوکس طی نامه ای از وزارت خارجه روسیه درخواست کرد که به وی اجازه گرفتن انتقالی از شهر امسک به قازان را بدهند. ۳۱ اکتبر همان سال، کاظم بیک استاد زبان عربی و فارسی در دانشگاه قازان گردید.

^{۶۳} Omsk

^{۶۴} Karl Fedorovich Fuks

پس از مدتی تدریس در دانشگاه زبان های شرقی، تصمیم به تدوین کتاب کمک آموزشی برای استادان زبان عربی، فارسی و ترکی - تاتاری در دبیرستان کرد. آکادمی علوم روسیه از این کتاب به خوبی استقبال کرد. کتاب وی در سال ۱۸۳۶م. منتشر شد. زبان های شرقی طبق برنامه کاظم بیک تا سال های متمادی هم در قازان و هم در آستاراخان و تغلیس مورد استفاده قرار می گرفت. از سال ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۲م. کاظم بیک در قازان به تدریس زبان عربی و فارسی و ترکی در کنار هم می پرداخت.

از سال ۱۸۲۸م. در دانشگاه قازان گروه زبان ترکی - تاتاری تاسیس شد که مدیریت آن بر عهده کاظم بیک قرار گرفت. از همان زمان وی در کنار تدریس چهار زبان عربی، فارسی، ترکی و تاتاری، فعالیت های علمی خویش را بالاتر برد. در سال ۱۸۳۰م. به او لقب پرفسور را دادند. در سال ۱۸۳۱م. نیز اثری به زبان فارسی نوشت که «نگاهی بر تاریخ زبان و گفتار زبان عربی» نام داشت. وزارت آموزش و پرورش با بررسی این اثر درجه فوق لیسانس و عنوان پرفسوری وی را تایید کرد. در سال ۱۸۲۹م. او در اروپا به عنوان یک دانشمند شرقشناس از شهرت برخوردار شده و به عضویت جامعه آسیایی پادشاهی بریتانیای کبیر درآمد. از ۱۳ دسامبر سال ۱۸۳۵م. نیز عضو آکادمی علوم روسیه شد. در سال ۱۸۳۶م.، نام کاظم بیک در میان پروفیسورهای خارق العاده دانشگاه قازان قرار گرفته بود. سال ۱۸۳۷م. وی به عنوان پروفیسور افتخاری گروه زبان های ترکی - تاتاری انتخاب شد. از سال ۱۸۴۴م. به تدریس زبان ترکی - تاتاری در تمام شاخه های آن پرداخت. وی در زمینه ریشه شناسی و نحو زبان مقالاتی تالیف

کرده و از دانشجویان می خواست که متونی را از ترکی و تاتاری به روسی و یا از روسی به آن زبان ها برگردانند. وی در این نحوه کار، به مطالب قابل مقایسه در هر دو زبان اشاره می کرد. در سال ۱۸۴۵م. پس از خروج پروفیسور فرانس ایوانویچ اردمان^{۶۵} از دانشگاه قازان، وی به جای او به تدریس زبان فارسی و عربی پرداخت. در ۳۱ اکتبر سال ۱۸۴۵م. کاظم بیک رییس اولین گروه دانشکده فلسفه در دانشگاه قازان شد.

همانطور که از گزارش های به جای مانده برمی آید، این دانشمند به دانشجویان مقاطع بالاتر از خود در رشته زبان ترکی - تاتاری دستور زبان را طبق تالیفات خود تدریس می کرد. این کلاس ها از نظر تئوری تدریس دستور زبان ترکی با دیگر روش های آموزش تفاوت دارند. در کلاس های درس و کلاس های عملی کاظم بیک با دانشجویان در خصوص تالیفات ترکی زبان قرون وسطی صحبت می کرد. وی برای تاریخ ادبیات ترک ها و تاریخ روشنفکری در شرق از روی نوشته های خود تدریس می نمود.

تدریس کاظم بیک از نظر فصاحت گفتار و جزییات جالب توجه برای شنونده بسیار مهم بود. روایتی هست در خصوص اینکه کاظم بیک لف تولستوی را برای امتحانات ورودی دانشگاه قازان در زبان های ترکی و عربی آماده کرده است. این

^{۶۵} Frants Ivanovich Erdman

نویسنده بالقوه بایستی در امتحانات ورودی دانشگاه قازان شرکت می‌جسته، اما نهایتاً تولستوی در دانشکده حقوق تحصیل کرده و به موفقیت دست یافت.

طی دوران فعالیت علمی - تدریسی کاظم بیک، منابع شرقی بسیاری منتشر شد که تاریخ روسیه را روشن می‌کرد: «asseb ac-seir» یا هفت سیاره که به شرح تاریخ خان‌های کریمه می‌پردازد (در سال ۱۸۳۵ م.)، «اشغال آستاراخان در سال ۱۶۶۰ م. بدست تاتارهای کریمه» و آثاری دیگر. کاظم بیک در بررسی تاریخ اویغورهای باستان در روسیه پیشرو بود.^{۶۶} وی بر اساس منابع شرقی اقدام به نوشتن مطالبی تحت عنوان «تحقیقات در خصوص اویغورها» کرد که در سال ۱۸۴۱ م. به چاپ رسید. در سال ۱۸۳۹ م. کتابی با عنوان «دستور زبان ترکی - تاتاری» به چاپ رسید که می‌توان گفت مهمترین حادثه در حوزه ترک شناسی روسیه به شمار می‌رفت. این کتاب اولین تجربه در زمینه آموزش دستور زبان های ترکی به صورت مقایسه‌ای بود. کتاب به مسایلی از قبیل آواشناسی، دستور زبان و ساختار نحوی زبان های عثمانی - ترکی پرداخته ضمن اینکه آنها را با زبان های تاتاری (آذری و همچنین زبان تاتارهای قازان، سیبری و اورنبورگ) مقایسه می‌کرد. بخش سوم کار به «کلمات ترکیبی» زبان های ترکی اختصاص داشت که کاری کاملاً جدید بوده و حتی می‌توان گفت که با کارهای انجام شده در زمینه دستور زبان توسط دانشمندان اروپایی آن زمان متفاوت بود. در سال

^{۶۶} مردم ساکن شمال غرب چین هستند که در ایالت خودگردان سین کیانگ یا ترکستان شرقی (اویغورستان) به مرکزیت اورومچی زندگی می‌کنند. مردم اویغور از اقوام ترک‌تبار و مسلمان سنتی هستند.

۱۸۴۶م. کتاب «دستور زبان عمومی زبان های ترکی - تاتاری...» که با تحقیقات جدید مولف در زمینه زبانشناسی غنی شده بود» از زیر چاپ خارج شد. این کتاب کمی بعد توسط تئودور تسنتکر^{۶۷} به زبان آلمانی برگردانده شد. (لایپزیک آلمان، ۱۸۴۸م.).

تالیفات کاظم بیک مورد توجه دولت وقت قرار گرفته و مفتخر به دریافت جایزه دمیروف^{۶۸} شد. این جایزه در آن دوره با ارزش ترین جایزه به شمار می رفت. دستور زبان کاظم بیک در هر دو کتاب - روسی و آلمانی - به طور گسترده برای آموزش زبان های ترکی چه در روسیه و چه در اروپای غربی مورد استفاده قرار می گرفت. حتی پس از انتشار کتاب ژان دنی^{۶۹} شرقشناس فرانسوی در سال ۱۹۲۱م. باز هم از کتاب کاظم بیک بیشتر استفاده می شد. الکسی اسپویچ چرنیایوسکی و صفرعلی بیک ولی بیکف مدرسین زبان روسی و آذری که پیشتر کتاب «وطن دیلی» را در سال های (۱۹۲۰-۱۸۸۲) برای آموزش زبان آذری منتشر کرده بودند، اذعان داشتند که در کتاب خود از قواعد نوشتاری کتاب کاظم بیک بهره برده اند.

^{۶۷} Teodor Tsenker

^{۶۸} Demidov Prize (Pavel Nikolaevich Demidov, the founder of the prize)

^{۶۹} Jean-Denis Délétraz

۲۶ آگوست سال ۱۸۴۸ وزرات آموزش و پرورش به دلیل بازنشسته شدن پروفیسور میرزا جعفر توپچباشیف^{۷۰} تصمیم به انتقال کاظم بیک از قازان به دانشگاه سنت پترزبورگ را گرفت. زیرا در دانشگاه سنت پترزبورگ نیاز به فردی مدبر جهت اداره گروه زبان فارسی بود. باریس مایسیویچ دانتسیگ^{۷۱} شرقشناس شرقشناس حاضر در سنت پترزبورگ آثار کاظم بیک در قازان را بسیار با ارزش ارزیابی کرد. وی می گوید: «به حق کاظم بیک را باید بنیانگذار مکتب شرقشناسان قازان دانست».

دوران سنت پترزبورگ:

۳۰ اکتبر سال ۱۸۴۹م. کاظم بیک همراه با خانواده راهی سنت پترزبورگ شد. واسیلی واسیلویچ گیورگیف^{۷۲} شرقشناس برجسته روس (۱۸۸۱-۱۸۱۶م.) در خصوص این دوره می نویسد:

«میرزا جعفر کاظم بیک در گروه زبان فارسی یکی والاترین شخصیت هایی است که ما و حتی می توان گفت تمام آسیا و اروپا و آسیا شناسان تا کنون به خود دیده اند. او که از تحصیلات عمیق اسلامی برخوردار بود، به خوبی توانسته بود بنیان آشنایی با علم اروپا را پایه گذاری کند. دانشمندی که زبان های عربی، فارسی، ترکی، انگلیسی، فرانسه و روسی را به یک اندازه می دانست و به هر شش زبان در گفتار و نوشتار کاملاً تسلط داشت. وی پس از ۲۳ سال خدمت در

^{۷۰} Topchibashiev

^{۷۱} Boris Moiseevich Dantsig

^{۷۲} Vasili Vasilevich Georgiev

دانشگاه قازان و با تمام عشق و احترامی که برای آن دانشگاه قایل بود، در نوامبر سال ۱۸۴۹م. به گروه زبان فارسی ما در سنت پترزبورگ وارد شد.

۲۶ آگوست سال ۱۸۵۰م. به خاطر «تلاش در امر آموزش دانشجویان قفقازی در دانشگاه سنت پترزبورگ» نشان خیرخواهی از حکومت دریافت نمود. در ۲۹ مارس ۱۸۵۱م. نیز به خاطر تلاش بی وقفه و حسن انجام کار و وظیفه شناسی مفتخر به دریافت نشان افتخار درجه ۳ «ولادیمیر مقدس» شد. ۲۵ دسامبر سال ۱۸۵۲م. پروفیسور کاظم بیک به خاطر شایستگی هایش به عضویت شورای دولتی درآمد.

وی با تلاش هایی که برای اداره گروه زبان فارسی دانشگاه سنت پترزبورگ انجام می داد، طرفداران پرشوری برای ایده «متمکز ساختن شرقشناسی» در روسیه اطراف خود جمع کرد. این ایده در سال ۱۸۵۴م. به دستور تزار محقق گردید. به دنبال آن، در دانشگاه سنت پترزبورگ تغییراتی ایجاد کرده و دانشکده زبان های شرقی را با هدف متمکز ساختن آموزش و تدریس زبان های شرقی در روسیه، افتتاح کردند. به طور همزمان اقداماتی نیز برای گشایش گروه های زبان های شرقی در سایر دانشگاه ها صورت گرفت. دانشکده زبان های شرقی در تاریخ ۲۷ آگوست ۱۸۵۵م. افتتاح شده و اولین مدیر این گروه هم شخص میرزا الکساندر کاظم بیک بود.

اواخر دوره زندگی و شغلی کاظم بیک در پترزبورگ، او علاوه بر ریاست دانشکده، استاد زبان فارسی و تاریخ سرزمین پارس نیز بود. به گفته همعصران وی، فعالیت زبانی وی از خصوصیات برجسته برخوردار بود. نحوه تدریس او بیشتر جنبه عملی داشت و در جهت تسلط کامل به زبان زنده فارسی، تلفظ صحیح در هنگام خواندن و صحبت کردن و کسب مهارت در ترجمه شفاهی بود. کاظم بیک از همان سال های اولی که مدیریت گروه را بر عهده گرفت، ایده تشکیل یک گروه خاص برای تاریخ شرق را مطرح ساخت. گروه بر اساس آیین نامه دانشگاه در سال ۱۸۶۳م. گشایش یافت. در سال ۱۸۵۸م. از مدیریت دانشکده کناره گرفت و جای خود را به موخلینسکی^{۷۳} عرب شناس و ترک شناس روس (۱۸۰۸—۱۸۷۷) داد. اما موخلینسکی برای این سمت چندان مناسب نبود و با برگزاری انتخابات در سال ۱۸۶۶م.، کاظم بیک یک بار دیگر به عنوان مدیر دانشکده برگزیده شد. وی تازمان فوت خود در ۲۷ نوامبر سال ۱۸۷۰م. در این سمت فعالیت داشت.

کاظم بیک به عنوان رییس دانشکده برای اعزام دانش جویان و فارغ التحصیلان دوره کارشناسی ارشد به کشورهای شرقی تمام تلاش خود را می کرد. او از هر فرصتی به نفع دانشجویان استفاده می کرد. وی می گوید: «... تحقیقات شرق بیش از سایر شاخه های علمی نیاز به تحقیقات شخصی، آشنایی با تحقیقات محلی در خصوص زبان و آداب و رسوم آن منطقه دارد. آموزش چهار یا پنج ساله

^{۷۳} A.O. Mukhlisnski

در دانشگاه حتی با وجود استعداد در دانشجویان، نمی تواند آنها را آنطور که باید پیش ببرد. آنان باید برای دوره های کوتاه مدت در شرق حضور داشته باشند».

کاظم بیک در سنت پترزبورگ همچنان به فعالیت های علمی خود ادامه داد؛ چاپ آثاری در زمینه ترک شناسی و تاریخ شرق و ادیان آنها. وی در سال ۱۸۵۴م. کتابی را منتشر کرد که کاملاً از خصوصیات تجربی برخوردار بود: «کتاب کمک آموزشی برای دوره های کوتاه مدت زبان ترکی». این کتاب دستور زبان ترکی را به طور مختصر توضیح داده بود؛ مطالب از میان متونی برگزیده شده بود که با دست خط های مختلف نوشته شده و در دوره امپراطوری عثمانی مورد استفاده قرار می گرفته است؛ علاوه بر این، وی تدوین فرهنگ روسی - ترکی شامل بیش از ۶۷۰۰ واژه روسی را نیز در کارنامه علمی خود دارد. در همان سال این دانشمند بزرگ اقدام به انتشار مقاله ای تحت عنوان «توصیف واژگان روسی مشابه واژه های زبان های شرقی» نوشت. این مقاله به مساله شیوه تحقیق شرقشناسان در فرهنگ روسی اختصاص داشت. در سال ۱۸۶۵م. کار بزرگی را در خصوص تاریخ ادیان ایران منتشر نمود: «باب و بابت های ناآرامی های دینی و سیاسی در سرزمین پارس طی سال های ۱۸۴۴م. تا ۱۸۵۲م.». در مقدمه این کتاب مولف علی رغم رواج ایده هایی که در آن دوران وجود داشته، تاکید می کند که اسلام «نمی تواند مانعی در راه تمدن» باشد. و این حقیقت که «در دوران حکومت عباسیان تمام علوم یونانیان به پایتخت اسلام - بغداد - آورده شده است» بر این حقیقت صحه می گذارد. و پس از آن هم «تمام شاخه های

علم و هنر» در همین حکومت توسعه یافته و به شیوه های مختلف «به اروپا انتقال» داده شده است.

سال ۱۸۶۸ با توجه به نیاز آن دوره، پیشنهاد انجام تحقیقاتی در زمینه ترکستان را به دانشکده ارایه داد. این منطقه در آن زمان به دلایل استراتژیک مورد توجه روسیه قرار گرفته بود. با انجام برنامه ریزی برای این کار، شروع به جمع آوری مطالب و برگرداندن آنها از زبان عربی کردند. مطالب زیادی به زبان عربی در خصوص ترکستان در دوره شکوفایی اقتصادی آن وجود داشت؛ کاظم بیک چندین سال متمادی شرقشناسان جوان را به هنگام تعطیلات تابستانی برای تحقیق در یادبودهای دوران باستان، نسخه های خطی و جمع آوری مطالب زبان، قومی، سکه شناسی و کتیبه ها به آسیای میانه اعزام می کرد. او با انرژی زیاد برای تحقق برنامه هایی که در سر داشت، تلاش می کرد. در سال ۱۸۶۹م. او خود برنامه سفری به خارج از کشور را تدارک دید. در این سفر قصد داشت به بررسی نسخه های خطی جغرافیایی متعلق به المقدسی (قرن دهم) بپردازد. هدف از این کار جمع آوری مطالب برای تالیف آثار بعدی وی بود. متاسفانه بیماری و مرگ به این دانشمند مهلت ندادند تا برنامه اش را به اتمام برساند.

میرزا کاظم بیک ۲۱ سال در سنت پترزبورگ زیست و ۲۷ نوامبر ۱۸۷۰ چشم از جهان فروبست. مدتی که در سنت پترزبورگ زندگی می کرد، توانست خود را به

طور کامل با زندگی در پایتخت وفق دهد. دختر وی الگا با پسر یکی از شعرای معروف روس به نام یوگنی آبرامویچ باراتینسکی^{۷۴} ازدواج کرد.

میرزا الکساندر کاظم بیک در میان آن دسته از شرقشناسان روس قرار می‌گیرد که مکتبی علمی را پایه‌گذاری کردند. مکتب وی طی قرون نوزده و بیست از جایگاهی بس باارزش در علم شرقشناسی جهان برخوردار بود. روش برگزیده وی تا صده بیست و یک نیز ادامه داشت. منحصر بفرد بودن شخصیت کاظم بیک از این جهت است که او توانست تحصیلات شرقی و اسلامی را با علوم سنتی روس و اروپای غربی متصل کند، وی یک دانشمند شرقشناس برجسته در سطح جهانی، انسانی مستعد و مدیری دوراندیش بود.

اهم آثار کاظم بیک:

- هفت سیاره: تاریخ خان‌های کریمه، قازان سال ۱۸۳۲م؛
- دستور زبان ترکی - تاتاری، قازان ۱۸۳۹م؛
- تحقیقاتی در خصوص اوینغورها - مجله وزارت آموزش و پرورش ملی، سال ۱۸۴۱م. در سی و یک بخش؛
- مختصرالوقایه، یا وقایع مختصر. قوانین اسلام، قازان سال ۱۸۴۵م؛

^{۷۴} Yevgeny Baratynsky

- توصیف واژگان روسی، و شباهت های آنها با واژه های شرقی – خبرنگار
// بخش آکادمی علوم امپراطوری، ۱۸۵۲م؛
- تطابق کامل قرآن یا کلید تمام واژگان و عبارات متن قرآن، بسترسازی
برای انجام تحقیقات دینی، حقوقی، تاریخی و ادبی. سنت پترزبورگ،
۱۸۵۹م؛
- مریدگرایی و شمیل، مجله «کلام روسی» سال ۱۸۵۹م، شماره ۱۲؛
- تاریخ اسلام. بازنگری روابط سیاسی شرق تا قبل از ظهور محمد، مجله
«کلام روسی» سال ۱۸۶۹م، شماره ۲ و ۵؛
- باب و بابتی ها. مشکلات دینی – سیاسی در سرزمین پارس، سنت
پترزبورگ، ۱۸۶۵م؛
- Observations sur un chapitre inconnu du Coran publie par M.
Garcin du Tassy. — Journal Asiatique, December, ۱۸۴۳

ایلیا نیکلایویچ برزین^{۷۵}

برزین شرق شناس (ترک شناس، ایرانشناس، مغول شناس) و پروفیسور دانشگاه سنت پترزبورگ در گروه زبان های ترکی – تاتاری روز ۱۹ جولای ۱۸۱۸م. در استان پرم پا به عرصه جهان گذاشت. پدرش کارگر کارخانه ای در جنوب پرم

^{۷۵} Ilia Nokolaevich Berezin

بود. او تحصیلات خود را در یک‌تترین بورگ به پایان رسانده و وارد دبیرستان پرم شد.

برزین سال ۱۸۳۴م. موفق شد به دانشکده شرق شناسی دانشگاه قازان وارد شود. در آنجا وی با جدیت در رشته های زبان فارسی و عربی زیر نظر پروفسور اردمان فئودور ایوانویچ^{۷۶} تحصیل می کرد.

پس از اتمام دوره دانشکده تاریخ - زبانشناسی در سال ۱۸۳۷م.، برای ورود به دوره پروفسوری خود را آماده می ساخت. در آن دوره برزین جوان تصمیم گرفت برای آشنایی بیشتر با سرزمین پارس و تاتار راهی آستاراخان شود. پس از بازگشت از سفر، از رساله دکتری خود با موضوع «چه عواملی به توسعه روشن فکری مساعدت کرده و چه عوامل حرکت به سوی قدرت مسلمانان را متوقف می سازد» با موفقیت در شهر قازان دفاع کرد.

سال ۱۸۴۱م. تحصیلات خود را در زبان های شرقی به پایان رساند. سال ۱۸۴۲م. برزین به دستور پرفسور الکساندر کاسیمیویچ کاظم بیک عازم یک ماموریت علمی سه ساله در داغستان، ماورای قفقاز، عربستان، ترکیه، ایران و مصر شد. در این کشورها او توانست دانش علمی خود را توسعه داده و در زندگی روزمره مردم، ادبیات و دول باستانی شرق به پژوهش بپردازد.

^{۷۶} Erdman Feodor Ivanovich

دستاوردهای سفر وی به شرق در مجموعه ای به نام «یادداشت های دانشمندان» طی سال های ۱۸۴۶-۱۸۴۵ م. در دانشگاه قازان به صورت تاییبی نگهداری شده است.

برزین پس از بازگشت به قازان، در ۱۹ مارس سال ۱۸۴۶ م. عنوان پروفیسوری گروه زبان ترکی را دریافت می کند. طی یک دوره نه ساله کار آثار زیادی از قبیل رساله تاریخی و مقالات متعدد به زبان های روسی و فرانسوی از وی به جای مانده است.

دوران سنت پترزبورگ:

سال ۱۸۵۵، دانشکده زبان های شرقی وابسته به دانشگاه سنت پترزبورگ گشایش یافت و برزین به همراه الکساندر واسیلویچ پاپف و واسیلی واسیلویچ پاولویچ به سمت پروفیسور گروه زبان های ترکی - تاتاری برگزیده شد.

ایلیا نیکلایوچ با نقل مکان به سنت پترزبورگ تصمیم گرفت که بی درنگ در مجله ادبیات شرکت جوید. وی مقالات پرتیراژی در خصوص شرق و به خصوص شرح سفر خود در سال های ۱۸۴۲-۱۸۴۵ م. به رشته تحریر درآورد.

علاوه بر این مقالات، تعدادی نیز نقد بلند ادبی و ارزیابی بر انتشارات مربوط به شرق نوشته است.

سال ۱۹۶۴م. برزین از پایان نامه دکتری خود با عنوان «شرح ساختار داخلی حکومت اولوس جوچی» از پادشاهان مغول دفاع کرد. سال های ۱۸۷۹-۱۸۷۲م. فرهنگ «دایره المعارف روسی» را منتشر کرده و در فاصله سال های ۱۸۸۴-۱۸۸۸م. دو جلد کتاب با نام «فرهنگ دایره المعارف جدید» منتشر کرد. وی قصد داشت اطلاعات این دایره المعارف را به نحوی تشریح کند که از نظر کوتاهی و ارزش برای همگان قابل دسترسی باشد. برزین در ۲۲ مارس سال ۱۸۹۶م. در سنت پترزبورگ درگذشت.

تالیفات:

۱- در قازان

دستور زبان ترکی (۱۸۴۷م.)؛

توصیف نسخه های خطی ترکی - تاتاری موجود در کتابخانه سنت پترزبورگ

(سال های ۱۸۴۹-۱۸۴۶م.)؛

سیستم گویش های ترکی (۱۸۴۹م.)

سفر به داغستان و ماورای قفقاز (۱۸۵۰م.)

کتابخانه مورخین شرقی (سال های ۱۸۵۱-۱۸۵۰م. در دو جلد)؛

عناوین خان ها (۱۸۵۲-۱۸۵۰م.)؛

کتابخانه ترک های شرقی (سال های ۱۸۵۴-۱۸۴۹م. در دو جلد)؛

سفر به شمال سرزمین پارس (۱۸۵۲م.)؛

پژوهش در گویش های فارسی (۱۸۵۳ م.)؛

دستور زبان فارسی (۱۸۵۳ م.)؛

مونوگرافی «بولگار در ولگا» (۱۸۵۳ م.)؛

شرحی بر تهاجم باتیا خان مغول به روسیه (۱۸۵۳ م.)؛

کاتالوگ یادداشت ها و مدال های اتاق سکه شناسی دانشگاه قازان (۱۸۵۵ م.)؛

۲- در سنت پترزبورگ

ضرب المثل های مردمی اقوام ترک (۱۸۵۶ م.)؛

راهنمای سفر به شرق بر مبنای سه گویش: بین النهرین، سوریه و مصر (۱۸۵۷ م.)؛

مجموعه سال نامه های شرقی (سال های ۱۸۶۹-۱۸۵۸ م. در شش جلد)؛

ساختار داخلی حکومت اولوس جوچی (موضوع پایان نامه دکتری) (سال ۱۸۶۵ م.)؛

برگزیده آثار ترکی (سال های ۱۸۷۸-۱۸۵۷ م. در سه جلد)؛

برزین علاوه بر آثار مذکور، مقالاتی نیز در خصوص شرق در مجلات و مطبوعات به چاپ رسانده است. بیشترین آثار وی در «اخبار مسکو» و «خبرنامه روسی» به چاپ می رسیدند. از جمله مقالات چاپ شده وی در این دو خبرنامه می توان به آثار زیر اشاره داشت:

رمضان در استامبول (۱۸۵۶ م.)؛

عید (۱۸۵۶ م.)؛

صحنه بیابان (۱۸۵۶، ۱۸۵۸، ۱۸۶۰ م.)؛

دنیای دیگر (۱۸۵۷م.)؛

سعادت مسلمان (۱۸۶۷م.)؛

مهمترین اثر زندگی برزین را می توان «دایره المعارف روسی» (۱۸۸۲-۱۸۷۳م. در ۱۶ جلد) نامید.

کارل گنریخویچ زالمان^{۷۷}

ایرانشناس برجسته روس



وی در سال ۱۸۴۹م. چشم به جهان گشود. وی تحصیلات خود را در دانشکده زبان های شرقی وابسته به دانشگاه سنت پترزبورگ به پایان رساند. رساله دوره فوق لیسانس را با موضوع «رباعیات خاقانی» نوشته و پس از دفاع در سال ۱۸۷۵م.

مدرک فوق لیسانس را در رشته ادبیات زبان فارسی دریافت کرد. با اتمام این دوره، شروع به تدریس ادبیات دوران زندیه و پهلوی در دانشکده زبان های شرقی کرد. وی در سمت استاد بخش زبان شناسی شرق، رییس موزه آسیایی و همچنین کتابدار کتابخانه آکادمی علوم روسیه مشغول به کار بود. مهمترین آثار وی عبارتند از:

^{۷۷} Karl Genrikhovich Zaleman

"Ueber eine Parsenhandschrift der K. Oeffentl. Bibliothek zu St.-Petersburg"

("Travaux de la ۳-e session du Congres international des Orientalistes", т. II, Лейден, ۱۸۷۹);

"Mittelpersische Studien" ("Bulletin de l'Academie", ۱۸۸۶),
 "Scham-si-Fachrii lexicon Persicum" (Казань, ۱۸۸۷);
 "Abdulgadiri lexicon Schahnamianum" (۱۸۹۵); "Persische Grammatik mit Literatur, Chrestomathie und Glossar"

در سال ۱۸۹۰م. همراه با دانشمند دیگری با نام لپتسیگ^{۷۸} اثر دیگری تحت عنوان «دستور زبان فارسی جدید، با ضمیمه و ایندکس» نوشت.

"Noch einmal die Seldchukiscgen Verse" (۱۸۹۰, "Bulletin de l'Academie");

- «فرهنگ شوگنان» در دانشکده «یادداشت های شرقی» سال ۱۸۹۵ در سنت پترزبورگ؛

- مقالاتی در خصوص یهودیان ایرانی (بولتن «اخبار» سال ۱۸۹۷، ۱۹۰۰ و ...؛ آثاری در خصوص مانویان («یادداشت ها» در سال های ۱۹۰۶، ۱۹۰۸ و ...)؛

- «مطالعاتی در خصوص مانویان» (۱۹۰۸ و شمارگان بعدی). در بولتن «اخبار» مطالبی نیز در خصوص نسخه های خطی شرق که در موزه آسیایی قرار داشته اند، آمده است.

^{۷۸} Leiptsig

ولادمیر آندریویچ کاساگوسکی^{۷۹} (۱۸۵۷م.-۱۹۱۸م)

این سپهبد و ایران شناس، در زمان جنگ حوالی قفقاز (شرکت در جنگ روسیه - ترکیه در سال های ۱۸۷۷م. تا ۱۸۷۸)، چین (فرمانده پادگان مستحکم لیبیانسکی) و آسیای میانه (فرمانده تیپ دو ساحلی هنگ ترکستان) فعالیت می کرد. در سال های ۱۸۸۴م. تا ۱۹۰۳م. رئیس آموزش تیپ قزاق شاه ایران در تهران بود. او تمامی وقایع در خصوص زندگی و حوادث سیاسی ایران را در خاطرات خود نگاشته است. مجموعه ارزشمندی از کتابهایی با موضوع شرق و همچنین کلکسیون از سلاح ها و ابزارهای هنری شرقی جمع آوری نموده است. کاساگوسکی عضو جامعه خاور شناسان روسیه بود (از سال ۱۹۱۳م.) در ملک خود پاگاستیخا (استان نووگورود) در آگوست ۱۹۱۸م. تیر باران شد.

تالیفات:

- ایران در اواخر قرن نوزدهم (از دفتر خاطرات ژنرال کاساگوسکی) (سال ۱۹۲۳م.)؛
- ام. پتروف (از دفتر خاطرات تهران ژنرال کاساگوسکی) (سال ۱۹۶۰م.).

^{۷۹} Kosagovsky Vladimir Andreevich

ایوان دیوسینیویچ یاگلو^{۸۰} (۱۸۶۵م.-۱۹۴۲م.)

شرق شناس، ایدئولوژیست، ایران شناس و عرب شناس

این سرهنگ ارتش روسیه، آموزشگاه نظامی کنستانتینوکی، دوره افسری، زبان های شرقی گروه آسیایی وزارت امور خارجه، دانشکده باستان شناسی در سنت پترزبورگ و زبان های زنده شرقی را در پاریس به اتمام رساند. در موسسه آموزش نظامی تاشکند تدریس می کرد. بعد از آنکه در سال ۱۸۹۷م. دوره آموزشی زبان هندی (اردو) را افتتاح نمود در سال ۱۹۰۵م. زبان های شرقی را به مدرسه افسری تاشکند آورد. برای دوره ها و مدرسه ها تعدادی از کتاب های آموزشی، مکالمه، گلچین های ادبی و کتاب های مربوط به واژه نگاری را آماده کرد. به طور منظم در نشریات دوره ای مدرسه اطلاعات، منابع، شرح وقایع تاریخی روز، حوادث، مطالبی از ادبیات غربی و اخباری در خصوص شرق را چاپ می کرد. از سال ۱۹۰۲م. عضو سازمان و دبیر بخش جامعه شرق شناسان تاشکند شد و همچنین به عنوان عضو کمیسیون توسعه موقعیت دانشکده های زبان های شرقی در تاشکند نیز فعالیت داشت. بین سالهای ۱۸۹۷م. تا ۱۹۱۱م. بیش از ۸۰ کار به زبان هندی چاپ کرد. مدت زمان طولانی بر روی فرهنگ لغت فارسی- روسی (۱۹۰۸م.) و فرهنگ لغت جامع فارسی- عربی (۱۹۱۰م.) کار می کرد که به عنوان منبع مطالعاتی مورد توجه کثیری از خوانندگان قرار گرفت. از سال ۱۹۲۰م. دوره نظامی شرق شناسی را تدریس می کرد، در سالهای ۱۹۳۰م. تا ۱۹۳۳م. استاد آکادمی کارگران و کشاورزان ارتش سرخ بود. سال

^{۸۰} Jagiello Ivan Denisovich

۱۹۳۳ زندانی شد و در ۳۱ اگوست سال ۱۹۴۲م. در مسکو پس از یک بیماری طولانی در گذشت.

- اهم تالیفات او شامل:
- الکساندر استپانویچ گرین، گرامر آموزشی زبان هندی(اردو)، سال ۱۸۹۷م؛
- چهار برامین، عشق آباد، سال ۱۸۹۹م؛
- مترجم فارسی از فرهنگ لغت فارسی- روسی، روسی- فارسی، تاشکند، سال ۱۹۰۲م؛
- فرهنگ لغت هندی- روسی، سال ۱۹۰۲م؛
- گرامر آموزشی زبان هندی (اردو)، تاشکند، سال ۱۹۰۲م؛
- مسائل مربوط به معیشت عربها در اروپا، سال ۱۹۰۲م؛
- نقاط استراتژیک انگلیس در ایران، مشاهدات مربوط به کشور، تاشکند، سال ۱۹۰۵م؛
- بلوچستان؛
- بخشی از بنگال؛
- کشمیر؛
- سیستان و بلوچستان؛
- راجپوتانا و سیاست هایش؛
- کنگره ملی هند؛

- اگر روسیه مالک هند شود؛
- مسلمانان در هند؛
- فرهنگ لغت کامل روسی-عربی-فارسی، تاشکند، سال ۱۹۱۰م.

بوتچیک میخائیل میخایلوویچ^{۸۱}

شرقشناس نظامی، ژنرال ارتش و از علاقه مندان تحقیق در سرزمین پارس و افغانستان

وی در سال ۱۸۶۸م. چشم به جهان گشود. طی سال های ۱۸۶۸ - ۱۹۲۲م، ژنرال ارتش بود. دانشکده افسری مسکو و آکادمی نیکلایف وابسته به ستاد ارتش را به پایان رساند (سال ۱۸۹۷م). در جنگ جهانی اول شرکت فعال داشت. در سال ۱۹۰۸م. سرهنگ و رییس ستاد بیست و هفتم بخش پیاده نظام و در اکتبر سال ۱۹۱۴م، افسر ارتش بود. در سال ۱۹۱۷م، وی را به عنوان رییس ستاد چهلیم ارتش برگزیدند. در اواسط آوریل ۱۹۱۹م، همراه با وزیر کشور باگدانوف از کریمه به یکاتریندار رفت. و در آنجا از ۳ می ۱۹۱۹م. در بخش نیروهای ذخیره کارمندان ستاد فرماندهی کل قرار گرفت. در فاصله کمی، توسط ژنرال دنیکین به عنوان دستیار وی در بخش غیرنظامیان ارتش داوطلبان ژنرال مای - مایوسکی فعالیت خود را آغاز کرد. کمی بعد به دستور یکی از فرماندهان، جای وی را به شخص دیگری دادند.

^{۸۱} Butchik Mikhail Mikhailovich

آقافانگل افیمویچ کریمسکی^{۸۲} (۱۸۷۱م. - ۱۹۴۲م.)

عرب شناس برجسته، ایران شناس و ترکیه شناس، شاعر و مترجم

وی یکی از بنیانگذاران مکتب شرق شناسی در اکراین می باشد. در شهر ولادیمیر-والینسکی در خانواده ای فرهنگی چشم به جهان گشود (اصلیت او به روحانیون کریموتاتاری فراری در قرن هجده برمیگردد که به بلاروس رفتند و مذهب مسیحی را پذیرفتند). کلاس های تخصصی دانشکده شرق شناسی لنینگراد را به اتمام رساند و به درجه استادی رسید. همچنین در سال ۱۸۹۶م. دانشکده تاریخ و زبان شناسی دانشگاه مسکو را تمام کرد. سالهای ۱۸۹۶م. تا ۱۸۹۸م. دانش خود را در زمینه زبان عربی در لبنان تکمیل نمود. بین سالهای ۱۸۹۸م. تا ۱۹۱۸م. استاد زبان عربی و تاریخ اسلام دانشکده زبان های شرقی لنینگراد بوده و همچنین نویسنده و ویراستار مقالات در خصوص خاور میانه و خاور نزدیک در " فرهنگ جامع بروکگاوز"^{۸۳} و افرون^{۸۴} بود. او از سال ۱۹۱۸م. به عنوان رئیس دانشگاه کیف برگزیده شد و یکی از سازمان دهندگان آکادمی علوم اکراین بود، در سال ۱۹۱۸م. یکی از اعضای فعال و تا سال ۱۹۲۸م. دبیر دائمی گردید و بخش تاریخ و زبان شناسی آکادمی علوم اکراین را تا سال ۱۹۲۹م. ریاست می کرد. او نویسنده بیش از ۵۰۰ کار چاپ شده در خصوص

^{۸۲} Agafangel Efymovych Krimski

^{۸۳} Brokgaoz

^{۸۴} Efron

تاریخ، ادبیات فرهنگ کشورهای عرب زبان، ایران، ترکیه و قلمرو خانهای کریمه و آذربایجان می باشد. پس از انحلال آکادمی علوم اکراین در پایان سال ۱۹۲۰م. و از بین رفتن تمامی موسسات شرق شناسی و بخش های تاریخ و زبان شناسی این آکادمی از تمامی پستها کناره گیری کرد. بسیاری از همکاران او در طی جریان پذیرش پسر "لوچنکو"^{۸۵} دستگیر و زندانی شدند. بر اساس شواهد اندکی او نیز در سال ۱۹۳۰م. به مدت کوتاهی در زندان به سر می برد. کارهای چاپ نشد و سعی کردند او را از یاد ببرند. کریمسکی چندین سال همراه با برچسب ملی گرایی در سخت ترین شرایط مادی زندگی می کرد. در سال ۱۹۳۶م. به او اجازه دادند که به عنوان ریاست فارغ التحصیلان دانشکده زبان و تفکر آکادمی علوم اتحادیه جماهیر شوروی فعالیت کند. در سال ۱۹۳۷م. طی قراردادی با دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی کار بر روی "مقاله ای در خصوص تاریخ ادبیات معاصر عرب" را به اتمام رساند. در سال ۱۹۳۹م. پس از پیوستن غرب اکراین به اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان شاهد عینی سطح بالای علمی مراکز علمی اکراین به شهر الوو فرستاده شد. طی مراسمی رسمی ۷۰ سالگی این دانشمند را جشن گرفتند. در آغاز سال ۱۹۴۱م. موفق به دریافت نشان سرخ کار و تلاش گردید. ۲۰ ژولای سال ۱۹۴۱م. به اتهام شرکت در گروه آزادی خواهی اکراین دستگیر گردید. پاییز سال ۱۹۴۱م. به قفقاز و از آنجا در تاریخ ۳۰ اکتبر به زندان کوستانای برده شد. او در ۲۵ ژانویه سال ۱۹۴۲م. در بیمارستان زندان شماره ۷ کمیساریای خلق امور داخلی اتحاد

^{۸۵} Lochenko

جماهیر شوروی در شهر کویستانای چشم از جهان فرو بست. مدفن او نامعلوم است .

اهم تالیفات او شامل:

مقاله ای در خصوص گسترش صوفی گری، سال ۱۸۹۵م؛

شاه نامه، سال ۱۸۹۶م؛

مسلمانی و آینده اش، سال ۱۸۹۹م.

سخنرانی در خصوص تاریخ ایران، سال ۱۹۰۰م؛

سخنرانی در خصوص قرآن، سال ۱۹۰۲م؛

در خصوص زبان های هفت گانه: زبان های اروپایی و آرامی، سال ۱۹۰۳م؛

تاریخ عرب، خلیفه های آنها، سرنوشت بعدیشان و مقاله کوتاهی در خصوص

ادبیات عرب، سال ۱۹۰۳م؛

تاریخ ایران، ادبیات و عرفان باستانیش: از دوره خلیفه های عرب تا حمله مغول

ها، سال ۱۹۰۳م؛

تاریخ ترکیه و ادبیاتش، از آغاز تا سقوط، سال ۱۹۱۰م؛

زبانهای هفت گانه جنوبی و تاریخ تفصیلی زبان عربی، سال ۱۹۱۲م؛

گلچین های عربی، سال ۱۹۱۶م؛

تاریخ ترکیه و ادبیاتش، سال ۱۹۱۶م؛

تاریخ ایران، ادبیات و عرفان باستانی: از دوره چنگیز خان تا حضور صفویان در ایران و مغول بزرگ در هند قرن هفده و هجده، سال ۱۹۱۷م؛
 تاریخ ایران و نوشتار، کیف، سال ۱۹۲۳م؛
 تاریخ ترکیه، کیف، سال ۱۹۲۴م؛
 حافظ و ترانه هایش، کیف، سال ۱۹۲۴م؛
 نوشتار ترکی در زمان یورش تیمور و دوره عثمانی، کیف، سال ۱۹۲۷م؛

اسماعیل نومانوویچ لمانوف^{۸۶} (۱۸۷۱م-۱۹۴۲م).

ترکیه شناس، زبان شناس، ایران شناس و عرب شناس

وی مدرسه تاتار روسی را در شهر سیمفروپل و مدرسه دولتی را در سال ۱۸۹۰م. به پایان رساند، پس از آن بلافاصله تدریس را شروع کرد. تابستان سالهای ۱۸۹۶م-۱۸۹۷م. زبان ترکی را در شهر کنستانتینوپل آموخت. در سالهای ۱۸۹۹م-۱۹۰۳م. در قاهره زبان های فارسی و عربی را یاد گرفت. در سال ۱۹۰۴م. به شهر کریم^{۸۷} برگشت و ریاست مدرسه خصوصی تاتر را در باغچه سرای به عهده گرفت. به خاطر انقلاب و فعالیت های غیر مذهبی آن زمان اخراج شد و مورد اذیت و آزار قرار گرفت. در سپتامبر سال ۱۹۰۷م. به عنوان شنونده آزاد به دانشکده زبان های شرقی دانشگاه سنت پترزبورگ راه یافت و تا

^{۸۶} Ismail Nomanovich Lemanov

^{۸۷} Kerim

سال ۱۹۰۸م. تحصیل می کرد اما آن را به اتمام نرساند. او به عنوان تنظیم کننده در چاپ کتاب ولادیمیر ایوسیفویچ براگینسکی^{۸۸} همکاری داشت. لمانف کارگزار فراکسیون مسلمانان مجلس چهارم بود و به مدت چندین ماه مسئول انتشار روزنامه " ملیت " شد. در نوامبر سال ۱۹۰۷م. تا نوامبر سال ۱۹۱۹م. رئیس بخش مسلمانان شهرداری منطقه سیمفروپل در استان تاورچیفسکی گردید. در دوره حکومت اتحاد جماهیر شوروی در دانشکده فنی دانشگاه دولتی شهر کریم تدریس می کرد و عضو کمیسیون علمی متدیست ها در حزب کمونیست این شهر نیز بود. در دانشگاه دولتی کریم رشته زبان و ادبیات عرب و همچنین تاریخ اعراب و اسلام را آموزش می داد. از سال ۱۹۲۵م. دوره زبان تاتار ، متد آموزشی آن، تاریخچه زبان های تاتار، عرب و فارسی و همچنین عناصر و نشانه های زبان تاتار را افتتاح کرد. او به عضویت اولین دوره ترکیه شناسی در سراسر اتحادیه جماهیر شوروی درآمد و عازم باکو گردید. در تابستان سال ۱۹۳۴م. به اتهام رهبری ناسیونالیستهای محلی مجبور به ترک شهر کریم شد. در سالهای ۱۹۳۴م. تا ۱۹۳۵م. در دوره ترجمه و ویرایش دانشکده شرق شناسی لنینگراد مشغول به تدریس شد اما پس از انتشار مقاله در مجله "بولشویک ها " هویت او به عنوان "تاتار کریمی ناسیونالیست و هدایت کننده انقلاب " افشا گردید و در ژوئن سال ۱۹۳۵م. اخراج شد. در عین حال او موفق گردید کارهایی را در دانشکده شرق شناسی که از آنجا فارغ التحصیل شده بود

^{۸۸} Veladimir Iusifovich Braginski

برعهده بگیرد. به دستور دانشکده زبان و فرهنگ، فرهنگ لغت زبان ترکی باستانی را تهیه کرد. او در نوامبر سال ۱۹۳۸م. به اتهام اینکه یکی از ایدئولوژیستهای جنبش "پانترک" و عامل سه قدرت خارجی بوده زندانی شد. در ژوئن سال ۱۹۳۹م. در ارتباط با دستگیری کادر یژووسکی توسط بازرسان کمیساریای خلق اتحاد جماهیر شوروی آزاد شد. لمانف در سالهای پیش از جنگ عضو گروه بزرگ عرب شناسان دانشکده شرق شناسی در زمینه تاریخ ترکمنستان و ترکمنها بود و همچنین همراه با شخصی به نام گوبین فونت ترکی نسخه های خطی را ترسیم کرد. او در زمان محاصره لنینگراد چشم از جهان فروبست. از چندین اثر او می توان به؛ ادبیات معاصر کریم (سال ۱۹۲۶م.) و کار چاپ در کریم (سال ۱۹۲۷م.)، اشاره کرد.

لئون فادویچ تیگرانف^{۸۹}

ایران شناس

وی در سال ۱۸۷۱ م. در شهر الکساندروپل در ایالت اریوانسکی در خانواده ای درباری متولد شد. دانشکده نظامی آکادمی گنشتاب دانشگاه افسری سنت-پترزبورگ را به اتمام رساند. (۱۸۹۶م. - ۱۸۹۹م.). پس از آن در رصد خانه پولکووسکی خدمت می کرد، در می ۱۹۱۸ م. به دستور سرلشکر، دستیار فرمانده نظامی پتروگراد شد و برای ماموریت نظامی به ایران اعزام و بلافاصله صاحب قدرت گردید. در سال های ۱۹۲۳م. تا ۱۹۲۸ م. مدیر ارشد علوم نظامی

^{۸۹} Leon Fadeevich Tigranov

آکادمی آمادگی نظامی اتحاد جماهیر شوروی گردید. سالهای ۱۹۲۹ م. تا ۱۹۳۰ م. در دانشگاه شرق شناسی لنینگراد تدریس می کرد.

۲۰ می ۱۹۳۱ م. توسط همکاران اداره سیاست مشترک تحت نظارت کمیساریای خلق اتحاد جماهیر شوروی به پنج سال حبس بدون محدودیت حقوق در اردوگاه کار اجباری محکوم شد. در بهار ۱۹۳۴ م. آزاد گردید و بر اساس در خواست "عالیموا" به عنوان پروفسور دانشکده شرق شناسی لنینگراد از اکتبر سال ۱۹۳۴ م. مشغول به کار شد. او برنامه ای برای دوره مقدماتی آموزش ایران شناسی تدوین کرد و همچنین تحقیقات علمی در خصوص طرح اولیه جغرافیای فیزیکی ایران ارائه نمود. سرنوشت او نامعلوم است. از تالیفات او می توان به ارتباط اجتماعی - اقتصادی در ایران: خلاصه ای از سفرها و مشاهدات در خصوص اراضی، ملیت و سیستم های اداری (سال ۱۹۰۹ م.) اشاره کرد.

ولادیمیر فئودورویچ مینورسکی^{۹۰}

شرقشناس

ولادیمیر فئودورویچ مینورسکی در سال ۱۸۷۷ م. در منطقه «تور» دیده به جهان گشود. سال ۱۹۶۶ م. تحصیلات خود را در دانشگاه کمبریج به پایان رسانده و زندگی علمی خود را به عنوان شرقشناس روس آغاز کرد. وی در سال ۱۹۰۰ م.

^{۹۰} Vladimir Feodorovich Minorski

دانشکده حقوق دانشگاه دولتی مسکو و در سال ۱۹۰۳م. انستیتوی زبان های شرقی «لازارف» را به پایان رساند. از سال ۱۹۰۳م. در وزارت امور خارجه روسیه در بخش سیاست های مربوط به ایران و ترکیه، شروع به فعالیت کرد. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. به روسیه بازگشت. بین سال های ۱۹۱۹-۱۹۱۷م. در ایران مشغول به کار بوده، سپس تا سال ۱۹۳۲م. در فرانسه و از سال ۱۹۳۲م. به مدت چند سال تجربه زندگی در انگلیس را داشته است. از سال ۱۹۳۷م. در دانشگاه لندن به تدریس می پرداخت. بخش اعظم آثار وی به تاریخ و فرهنگ ایران، قفقاز، ترکیه و همچنین تاریخ اسلام، قوم شناسی و تاریخ شرق اختصاص دارد. مینورسکی سهم بسزایی در حوزه تحقیقات مربوط به ایران، ترکیه، مغولستان، قفقاز، آذربایجان، ارمنستان و تحقیقات تاریخ ویزانتی دارد.

ولادیمیر گنادیویچ تاردوف^{۹۱} (۱۸۷۹م.-۱۹۳۸م.)

ایران شناس، مورخ، اقتصاد دان و کلکسیونر

وی در سال ۱۸۷۹م. در شهر سنت پترزبورگ چشم به جهان گشود. پس از مرگ پدر که کارمند بانک بود، تحصیلات را رها کرده و به کار در بانک مشغول شد. وی علاوه بر آن، به کار روزنامه نگاری و انتشار اشعار خویش نیز می پرداخت. تاردوف از تحصیلات دانشگاهی برخوردار نبود. در سال ۱۹۰۹م. به عنوان یکی از روزنامه نگاران «کلام روس»، سفر خود را در سرزمین پارس آغاز

^{۹۱} Vladimir Genadievich Tardov

کرد. در مطالب خود همیشه از موضع سیاستمداران روس نسبت به ایران انتقاد می‌کرد. برخی از آثار و تالیفات خود را که امکان چاپ در روسیه برایشان میسر نبود، با ترجمه به زبان انگلیسی در مجله «منچستر گاردین» منتشر می‌کرد.

پس از بازگشت از سرزمین پارس، فراگیری زبان فارسی را به کمک یکی از دانشجویان دانشگاه مسکو آغاز کرد. با فراگیری زبان فارسی، اشعار فارسی را به روسی ترجمه می‌کرد. در سال ۱۹۱۷م. اقدام به چاپ اشعاری کرد که به شدت از طرف وزیر امور خارجه وقت میلوکوف مورد انتقاد قرار گرفت. در سال ۱۹۱۸-۱۹۱۹م. به کمیساریای خلق وزارت کشور اتحاد جماهیر شوروی وارد شده و ریاست بخش انتشارات را به دست گرفت. وی اقدام به انتشار چندین بولتن کرد. طی همین سال‌ها در دوره‌های زبان فارسی که توسط وزارت امور خارجه برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد.

سال ۱۹۲۰م. به عنوان نماینده کمیساریای خلق وزارت کشور اتحاد جماهیر شوروی در جمهوری گلانسک برگزیده شد. طی سال‌های ۱۹۲۰م. تا ۱۹۲۱م. در قرارداد ۲۶ فوریه سال ۱۹۲۱م. میان جمهوری سوسیالیستی شوروی و ایران شرکت داشت. وی همچنین مسئول اطلاعات دفتری ایران نیز بود. طی سال‌های ۱۹۲۱-۲۸م. به عنوان سفیر شوروی در سرکنسولی اصفهان تعیین شد. در سال‌های ۱۹۲۷-۲۸م. بخشی از کلکسیون خود را که در رابطه با ایران جمع‌آوری کرده بود به مجموعه نمایشگاهی اهدا نمود. از سال ۱۹۲۸م. در گروه

کشورشناسی ایران وابسته به دانشکده شرق شناسی مسکو به تدریس می پرداخت (مسایل ایران، تاریخ ایران). از سال ۱۹۳۵م. نیز در آکادمی دولتی تاریخ و فرهنگ مسکو تدریس می کرد.

در بیوگرافی وی به سال ۱۹۳۵م. به سه تالیف مهم اشاره شده است: «آرایش مصنوعی روابط اجتماعی در ایران و سایر کشورهای شرقی» این کتاب قرار بود توسط انستیتوی تاریخ علوم طبیعی و تکنولوژی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی منتشر شود. حتی برتلس در سال ۱۹۳۵، شرح بسیار مثبتی نیز ضمیمه آن کرده بود. اثر دوم «کرم» نام دارد، کتابی در خصوص مردمان ایران بر اساس نوشته های فردوسی در خصوص کرمان می باشد. کتاب سوم تحت عنوان «مزدک» در خصوص فتودالیسم در دوران ساسانی می باشد.

تاردوف ۵ فوریه ۱۹۳۸م. در مسکو دستگیر شد. وی را متهم به جاسوسی، اقدام به ترور و شرکت در برنامه های ضد حکومتی کردند. هشتم آوریل سال ۱۹۳۸م. شورای نظامی دادگاه عالی اتحاد جماهیر شوروی وی را به جاسوسی متهم ساخت. حکم در همان روز توسط کمیساریای خلق وزارت کشور شوروی به اجرا درآمد. در تاریخ ۸ فوریه ۱۹۹۴م. دادگاه نظامی عالی فدراسیون روسیه از وی اعاده حیثیت کرد.

تالیفات:

- نور شبانه: مجموعه شعر، مسکو، ۱۹۰۷م.؛
- انعکاس شخصیت: (نقد)، مسکو، ۱۹۰۹م.؛
- عجیب: مجموعه شعر، مسکو، ۱۹۱۲م.؛

- سرزمین پارس و فرهنگ آن // اندیشه روس، ۱۹۱۲ م.؛
- تاگور سادونیک، مسکو، ۱۹۱۸ م.؛
- سرنوشت روسیه: آثار برگزیده (۱۹۱۷-۱۹۱۱ م.)، مسکو، ۱۹۱۸؛
- روابط زمین داری در سرزمین پارس // سال ۱۹۳۰ م.، شماره ۱۲؛
- خصوصیات اصلی زمین داری و روابط مالکیت در پارس مرکزی // ۱۹۳۰ م.، شماره ۲۸؛
- خداداد احمد. سهم مادر تعمیدی: داستان های از ایران باستان، مسکو، ۱۹۳۰ م.؛
- خصوصیات اصلی روابط میان قبایل پارس // ۱۹۳۳ م.، شماره ۳؛
- صنعتگران پارسی // شماره ویژه، ۱۹۳۴ م.؛
- پیدایش نام های قبایل آریایی // ۱۹۳۴ م.، کتاب پنجم؛
- کاظم میرزا مشفت. دخترانی از خانواده های ثروتمند. تاشکند، ۱۹۳۵ م. ترجمه از زبان فارسی؛
- عمر خیام، رباعیات، مسکو، ۱۹۳۵ م. (ترجمه از زبان فارسی با همکاری رومروم و چایکینی)؛
- کاظم میرزا مشفت. تهران باستان. تاشکند، ۱۹۳۶ م. (ترجمه از زبان فارسی، عشق آباد، ۱۹۶۰ م.؛
- تاریخ زمین داری و اجاره زمین در ایران // ۱۹۳۷ م.؛
- تاریخ ایران در قرون وسطی، مسکو، ۱۹۳۷ م.؛

توفیق گاوریلویچ کزما^{۹۲} (توفیق ژوبراییل؛ پسوند: توفیق-کزما)
(۱۸۸۲م. - ۱۹۵۸م.)

عرب شناس، ایران شناس و ترکیه شناس

وی در شهر دمشق کشور سوریه به دنیا آمد. تحصیلات را در مدرسه روسی شاهنشاهی ارتدکس جامعه فلسطینیان به پایان رساند (۱۹۲۶م.). در سالهای ۱۹۱۳م. تا ۱۹۱۵م. در دانشکده بازرگانی کیف زبان عربی و ترکی را تدریس می کرد. در سال ۱۹۱۴م. به منظور تکمیل زبان فارسی به ایران رفت. در این دوره با آکادمی علوم اکراین همکاری داشت و به عنوان زبان شناس عربی مشغول بود. طی ۴۰ سال به دانشجویان دانشگاه های اکراین به عنوان فارغ التحصیل مقطع دکترای آکادمی علوم اکراین، زبان عربی را تدریس می کرد. او ترجمه های بسیاری از نویسندگان قرون وسطی و معاصر انجام داد، اما این ترجمه ها چاپ نشدند.

در کیف دوران را سپری می کرد (محلۀ اندروسکی، پلاک ۳۴، آپارتمان شماره ۳۲؛ در حال حاضر موزه -آپارتمان). در سال ۱۹۳۰م. به خاطر عدم صلاحیت علمی اخراج شد، آگافانگل افیمویچ کریمسکی سعی کرد عدالت را اجرا کند. کزما بر اساس شواهد بسیاری دستگیر شد و سالهای ۱۹۳۸م. تا ۱۹۳۹م. را در بازداشت بود.

^{۹۲} Tawfiq Gavrilovich Kezma

تالیفات او شامل:

- مقدمه ای بر تاریخ عرب قرن شش، ابو شجی، سال ۱۹۲۷م؛
- اصول اولیه زبان عربی در ارائه عمومی، کیف، سال ۱۹۲۸م.

لو الکساندروویچ زیمین (۱۸۸۶م.-۱۹۲۰م.)

ترکیه شناس، عرب شناس، ایرانیست، باستان شناس و تاریخ دان آسیای میانه وی در شهر اریول در خانواده ای با حرفه مهندسی فنی به دنیا آمد. رشته مکالمه زبان های عربی، فارسی، ترکی، تاتاری را در دانشکده زبان های شرقی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ به پایان رساند. (۱۹۰۴-۰۹م.) او یکی از توانمندترین دانشجویان آکادمی واسیلی واسیلیویچ بارتلد بود. زبان ازبکی را در شهر تاشکند جمهوری ازبکستان تدریس می کرد. در زمان جنگ داخلی مدیریت شهر مرو در جمهوری ازبکستان را بر عهده داشت. در آغاز سال ۱۹۱۹م. به عنوان یکی از محترم ترین اشخاص به خواست ساکنان محلی و بر خلاف میل شخصی به عنوان نماینده وزارت امور خارجه در زمان حضور گروه اس ار در نواحی حاشیه خزر برگزیده شد. او مخالف اصولی مجازات اعدام برای مخالفان سیاسی بود و در بسیاری از موارد از خونریزی جلوگیری کرد. بنابراین

اعدام ۲۶ کامیسا‌های باکویی را از او پنهان کردند. پس از آنکه از وقوع حادثه مطلع شد، توانست کمابیش زنها و کودکانشان را از مرگ نجات دهد.

۱۴ مارس ۱۹۱۹م. از ساختار سازمان نجات اجتماعی ترکمنستان خارج گردید. از نوامبر ۱۹۱۹م. مدرس گروه زبان عربی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه دولتی آذربایجان گردید. گلچین ادبی و فرهنگ لغتی را که در دانشگاه تدریس می کرد به چاپ رساند. او در شهر باکو زندگی می کرد (خیابان کراسنودسکایا، خانه ۴۹). پس از اشغال آذربایجان توسط ارتش سرخ دستگیر شد (۳ می ۱۹۲۰م.). ۱۰ می ۱۹۲۰م. یازدهمین ارتش انقلاب نیروهای مسلح او را به مجازات اعدام محکوم کرد. در این روز تیر باران شد. بر اساس اعلامیه منتشر شده اعدام، ۱۱ می در شهر کمونیستی باکو، فردی با نام "زیمین" در ردیف ۱۱ ایستاده بود. در توضیحات علت اعدام اینطور مشخص شده: به خاطر شرکت در قتل ۲۶ کامیسا‌ر باکویی...". در کتاب منتشر شده سال ۱۹۲۲ توسط چایکینا بیگناهی او متذکر شده بود. اما در طی سالهای بسیاری نسخه ای از شرکت وی در خشونت علیه کامیسا‌های باکویی به همراه منابع منتشر شد. در حالی که شاهی بر این مدعا وجود ندارد.

تالیفات وی شامل:

اسناد موقوفه، سال ۱۹۱۰م.؛

سفر چهارم تیمور به خوارزم؛

کتاب آموزشی زبان سارتوی، بر اساس متد آموزشی روز، تاشکند،

سال ۱۹۱۱م.؛

- کتاب شناسی: چاب بومی و غیر بومی، آسیای مرکزی (تاشکند) سال ۱۹۱۱م؛
- روایات مسلمانان در خصوص شهر اوش، تاشکند، سال ۱۹۱۳م؛
- پیروزی زرتسال و اهمیت آن برای تاریخ خان های قوقان؛
- ویرانه های قدیمی پیکند؛
- گام اول علیم خان در زمینه های دولتی؛
- اطلاعات مختصر تاریخی در خصوص شهر باستانی سوخه، سال ۱۹۱۴م؛
- شرح مرگ تیمور؛
- مقاله تکمیلی در خصوص مرگ تیمور؛
- هنرهای پارسی، سال ۱۹۱۴م؛
- خاطرات تیمور از فتح هندوستان، غیاس الدین علی، سال ۱۹۱۵م؛
- گزارشی از حفاری ویرانه های شهر باستانی پیکند در بهار و تابستان ۱۹۱۴م، تاشکند، سال ۱۹۱۵م؛
- در خصوص مقاله مربوط به زبان سارتوی، سال ۱۹۱۵م؛
- گزارش دو سفر باستان شناسی به بخارا، تاشکند، سال ۱۹۱۶م؛
- اقدامات عمر شیخ فرزند تیمور در کاشغر، فرغانه و مغولستان، سال ۱۹۱۶م؛
- فراب قدیمی، سال ۱۹۱۷م؛

گزارش مختصری در خصوص سفر به بخارا در سال ۱۹۱۶م.،
 تاشکند، سال ۱۹۱۷م.؛
 قطعات برگزیده و فرهنگ لغت مختصر عربی، باکو، سال ۱۹۲۰م.

سرگی کنستانتینویچ پاستوخف^{۹۳} (۱۸۸۷م.-۱۹۴۰م.)

ایران شناس، مورخ و سیاست مدار

وی در سال ۱۸۸۷م. در شهر ماریوپول چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را در دانشکده زبان های شرقی به پایان رساند. از سال ۱۹۱۸ تا زمانی که دستگیر شد، در کمیساریای خلق امور خارجه مشغول به فعالیت بود. طی سال های ۳۵-۱۹۳۳م. سفیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران و رییس بخش شرق شناسی و آرشیوهای سیاسی کمیساریایی خلق امور خارجه بوده است. پاستوخوف کسی بود که توانست فعالیت سیاسی را با علم درآمیزد. او عضو فعال انجمن علمی شرق شناسان روسیه و عضو هیات تحریریه مجله «شرق نو» بود.

پیش از دستگیری نیز مدیریت مدرسه شماره ۲۳۷ مسکو را بر عهده داشت. وی در تاریخی ۱۶ می ۱۹۳۹م. ، به خاطر برقراری ارتباط با «دشمن خلق» لف میخاییلویچ (دیپلمات شوروی و انقلابی) کاراخان دستگیر شد. اول آوریل سال

^{۹۳} Cergei Konstantinovich Pastykhov

۱۹۴۰م. شورای نظامی دادگاه عالی اتحاد جماهیر شوروی وی را به جاسوسی و شرکت در کنگره جامعه روس متهم کردند. حکم در تاریخ دوم آوریل سال ۱۹۴۰م. در گورستان دانسک به اجرا درآمد. دادگاه نظامی عالی فدراسیون روسیه در ۲۵ ژوئن سال ۱۹۵۷م. از وی اعاده حیثیت کرد.

تالیفات:

- روابط روسیه - ایران طی پنج سال // سال ۱۹۲۳م.؛
- پنج سال روابط متقابل شوروی و سرزمین پارس // سال ۱۹۲۳م.؛
- پس از دیکتاتوری نظامی به سوی دولت ملی // سال ۱۹۲۴م.؛
- سرزمین پارس در مبارزه برای استقلال، مسکو، تالیف مشترک با پاولویچ، سال ۱۹۲۵م.؛
- سیاست خارجی دول شرق: (افغانستان) // آفتاب شرق (تاشکند)، ۱۹۲۷م.؛
- پاکت کلاگ و شرق // سال ۱۹۲۸م.؛
- درسهایی از قیام قبایل در افغانستان // آفتاب شرق (تاشکند)، سال ۱۹۲۹م.؛
- چند نکته در خصوص مقاله بارتولد: مسایل بحث برانگیز فنودالیسم در سرزمین پارس // سال ۱۹۳۰م.؛

سعید عبدالمنانویچ وحیدوف^{۹۴} (۱۸۸۷م. - ۱۹۳۸م.)

مورخ و باستان شناس، مسلط به زبان های عربی، فارسی و ترکی، محقق و جمع آوری کننده نسخه های خطی شرقی

وی در سال ۱۸۸۷م. در منطقه تاشبیلگی شهر غازان متولد شد. پس از اتمام دانشکده زبان های شرقی کار خود را به عنوان استاد دانشگاه غازان آغاز کرد. سال های ۱۹۳۷-۱۹۳۸م. در دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی مشغول به فعالیت بود. اما به دلیل برخی فعالیت ها که چندان خوشایند حکومت وقت نبودند، در سال ۱۹۳۸ دستگیر و کشته شد.

تالیفات:

تحقیق و مطالعه در صاحب قرآن، خان غازان، سال ۱۹۲۵م؛
افسانه های تاتاری در خصوص مناطق قدیم کامسک - ولژ (سال ۱۹۲۶م.)

نیکلای نیکلایویچ فدورو(۱۸۸۷م.)^{۹۵}

ایران شناس، زبان شناس و مورخ ادبیات فارسی

وی دانشکده زبان های زنده شرقی لنینگراد را به اتمام رساند و بر اساس قراردادهای بین المللی در ایران کار می کرد. به منظور تدریس در دانشکده زبان

^{۹۴} Said Abdolmanafovich Vahidov

^{۹۵} Nikolay Nikolayevich Fedorov

های زنده شرقی لنینگراد به روسیه بازگشت. و به تدریس در گروه اقلیت های ملی شرق مشغول شد. او با دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی همکاری داشت. ۲ ژانویه سال ۱۹۳۵ م. بر اساس شکایت ریاست دوره به خاطر " مخالفت با شوروی " بازنشسته شد. ۳۱ اگوست سال ۱۹۳۵ م. توسط بخش اردوگاهی اداره امور داخلی دستگیر گردید. با همکاری مخصوص دستگاه قضایی لنینگراد از ۲۳ اکتبر ۱۹۳۵ م. به ۵ سال تبعید در اردوگاه کار اجباری محکوم شد. ۳۱ اگوست سال ۱۹۴۰ م. پس از اتمام حکم از اردوگاه کار اجباری کاراگاندیسکی آزاد گردید. او پس از آزادی در شهر کوکند جمهوری ازبکستان به زندگی خود ادامه داد. در سال ۱۹۵۷ م. از او اعاده حیثیت شد.

کنستانتین ایوانوویچ چایکین^{۹۶} (۱۸۸۹ م. - ۱۹۳۸ م.)



ایران شناس، ادیب و زبان شناس

وی در شهر مسکو در خانواده ای کشاورز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دانشکده تجارت مسکو به پایان رساند (۱۹۰۹ م.). در سال ۱۹۱۱ به دانشکده حقوق دانشگاه مسکو راه یافت، سپس

^{۹۶} Konstantin Ivanovich Chaykin

راهی دانشکده شرق شناسی لنینگراد گردید (۱۹۱۲م.-۱۹۱۶م.). در سال ۱۹۱۷م. با ارائه پایان نامه و ترجمه مجموعه اشعار جامی با نام "سلامان و ابصال" برای استادی ادبیات فارسی برگزیده شد. در سالهای ۱۹۱۹م. تا ۱۹۲۰م. زبان فارسی را در آکادمی گنشتاب تدریس می کرد. به عنوان مترجم جمهوری فدرال سوسیالیست شوروی در آذربایجان (۱۹۲۰م.-۱۹۲۱م.) و ایران (۱۹۲۱م.-۱۹۲۶م.) فعالیت داشت. از سال ۱۹۲۷م. به تدریس زبان فارسی در دانشکده شرق شناسی مسکو پرداخت و با گروه شرق شناسی دانشگاه کمونیستی کارگران شرق (۱۹۲۷م.-۱۹۲۹م.) و همچنین دانشکده شرق شناسی و ادبیات جهان آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی همکاری علمی داشت. در سال ۱۹۳۵م. به عنوان پروفسور و استاد به فعالیت خود ادامه داد. او همچنین مشاور دانشکده زبان های خارجه و ارتباطات بین الملل آکادمی علوم بخش گرجستان اتحاد جماهیر شوروی بود. در طی چندین دهه اولین نویسنده ای بود که کتاب های فارسی در خصوص ادبیات قرن بیست را ترجمه کرد و همچنین اشعار کلاسیک فارسی را به روسی برگرداند. در زمینه ارتباط ادبیات فارسی و گرجی به همراه یوری نیکلایویچ مار به بررسی و پژوهش پرداخت.

چاپکین در ۲۱ فوریه سال ۱۹۳۸م. دستگیر شد. در اعلامیه شماره ۸۹ " مرکز مسکو" به نمایندگی رئیس بخش هشتم اداره امنیت دولتی کمیساریای خلق امور داخلی اتحاد جماهیر شوروی، تسارسکی و امضای: استالین، مالاتف، کاکانویچ، ژدائف در ۱۹ آوریل ۱۹۳۸م. برای ۱۰۰ نفر حکم سرکوب صادر شده بود. ۲۷ آپریل سال ۱۹۳۸م. دادگاه نظامی اتحاد جماهیر شوروی او را به

جاسوسی متهم کرد. در همان روز تیر باران و در کامونارک به خاک سپرده شد. او فرهنگ لغت زبان فارسی را هنگام اسارت در زندان آماده کرد.

تالیفات وی:

مقاله مختصری در باب ادبیات معاصر فارسی، سال ۱۹۲۸ م؛

اسدی بزرگ و اسدی کوچک، فردوسی، سال ۱۹۳۴ م؛

بهارستان جامی، سال ۱۹۳۵ م؛

بوستان مصلح الدین سعدی، سال ۱۹۳۵ م؛

خاقانی، نظامی، سال ۱۹۳۵ م؛

از ارتباطات ایران و گرجستان، سال ۱۹۳۸ م؛

مقالاتی در خصوص ادبیات ایران، یوری نیکلایویچ مار و کنستانتین ایوانویچ چایکین؛

یادداشت هایی در خصوص مسائل ایران و گرجستان، یوری نیکلایویچ مار، مگرلیدزه و کنستانتین ایوانویچ چایکین.

یوگنی ادواردویچ برتلس^{۹۷}

شرقشناس دوره شوروی، ایران شناس و ترک شناس



وی متولد دسامبر ۱۸۹۰م. در شهر سنت پترزبورگ بوده و در اکتبر سال ۱۹۵۷م. در شهر مسکو دیده از جهان فروبست).

دانشکده شرقشناسی را در دانشگاه سنت پترزبورگ به پایان رساند. در سال ۱۹۲۰م. تحصیلات خود را در زمینه زبانشناسی فارسی بود به اتمام رساند. وی استاد دانشگاه دولتی زبانشناسی مسکو، عضو آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۳۹م.، عضو آکادمی علوم ایران در سال ۱۹۴۴م. و آکادمی علوم ترکیه در سال ۱۹۵۱م.، عضو آکادمی علوم عربی در دمشق در سال ۱۹۵۵م. بود و پس از جنگ بزرگ میهنی در مسکو ساکن شد

برتلس در سال ۱۹۴۸م. به خاطر متن علمی - انتقادی «شرف نامه» نظامی گنجوی نشان افتخار استانیسلاو درجه دوم و در سال ۱۹۷۴م. نشان لنین را دریافت کرد.

^{۹۷} Evgeni Edvardovich Bertels

سه مرتبه در پتروگراد و لنینگراد دستگیر شد و هر مرتبه برای مدت کوتاهی در حبس به سربرده است: در اکتبر سال ۱۹۲۲ م.، در سال ۱۹۲۵ م. به عنوان جاسوس فرانسوی و در سال ۱۹۴۱ م. به عنوان جاسوس آلمانی.

تالیفات:

یادداشت هایی در خصوص اصطلاحات نظمی صوفیان ایرانی - چاپ مسکو: سال ۱۹۶۵ م.؛

شاعر بزرگ آذربایجانی نظامی - چاپ باکو، انتشارات آرفان در سال ۱۹۴۰ م.؛

ولادیمیر پتروویچ استروف (پسوند: ایراندوست) (۱۸۹۳ م. - ۱۹۳۸ م.)^{۹۸}

مورخ ایران و ترکیه



وی در شهر کالوگا در خانواده ای فرهنگی به دنیا آمد. در سال ۱۹۱۸ م. دانشکده حقوق دانشگاه مسکو را به پایان رساند. سالهای ۱۹۱۸ م. تا ۱۹۳۸ م. با کمیساریای خلق امور خارجه همکاری می کرد، در سالهای

^{۹۸} Osetrov Vladimir Petrovich

۱۹۲۰م. تا ۱۹۲۵م. و ۱۹۲۸م. تا ۱۹۲۹م. در ایران فعالیت داشت. او همچنین در دانشگاه شرق شناسی مسکو تدریس می کرد. استروف عضو شورای دانشمندان انجمن علوم شرقی سراسر روسیه و گروه شرق شناسی مسکو بود. در رشته تاریخ خاور میانه و خاور دور قرن های نوزده و بیست و بررسی مسائل کشاورزی در شرق مطالعه و تحقیق می کرد. او نزدیک به ۱۰۰ کار چاپ شده دارد. در آستانه بازداشت به عنوان رئیس بخش دوم شرق شناسی کمیساریای خلق امور خارجه مشغول بود. ۹ مارس ۱۹۳۸م. زندانی شد. ۲۲ آگوست سال ۱۹۳۸م. توسط دیوان عالی جنگ اتحاد جماهیر شوروی به اتهام جاسوسی به اعدام محکوم گردید. حکم صادره در همان روز در کمیساریای خلق امور داخله اتحاد جماهیر شوروی " کامونارکا" اجرا گردید.

تالیفات:

- انعکاس انقلاب اکتبر در شرق (سال ۱۹۲۲م.)؛
- گروهک های ایرانی: (نامه از تهران) (سال ۱۹۲۲م.)؛
- حرکت های حرفه ای در ایران (نامه از تهران)؛
- حوادث و رویدادهای بین النهرین و روحانیت شیعه (نامه از تهران) (سال ۱۹۲۳م.)؛
- روحانیت در ایران (سال ۱۹۲۴م.)؛
- نکاتی در رابطه با تغییر رژیم در ایران (سال ۱۹۲۶م.)؛
- وجود کمال گرایان (سال ۱۹۲۷م.)؛
- مسائل انقلاب گیلان (سال ۱۹۲۷م.)؛

- ایران ، دیروز، امروز (سال ۱۹۲۸ م.)؛
- ایران به سمت امپریالیست کشیده شده است؟ (ارتباطات ایران-افغانستان) (سال ۱۹۲۹ م.)؛
- چندین سخن در باب کمال گرایی (سال ۱۹۳۰ م.).

پاول نیکیفورویچ لازیف^{۹۹}

ایران شناس، زبان شناس، ادیب و ترکیه شناس

وی در شهر کیف چشم به جهان گشود. در سال ۱۹۱۷ م. در مرکز باستان شناسی تریپزوندسکی کار می کرد. سال ۱۹۲۰ م. با آکادمی علوم اکراین بخش کیف و آکادمی شرق شناسی اکراین در خارکوف همکاری علمی داشت. او مدیر دوره شرق شناسی در کیف بود. (در آنجا زبان فارسی و ترکی را نیز تدریس می کرد.) منشی آگافانگل افیمویچ کریمسکی بود. لازیف در کیف زندگی خود را می گذراند (خیابان کارالنکو، پلاک ۳۷، آپارتمان شماره ۲). موضوعات اصلی فعالیت های علمی او ادبیات فارسی و فولکلور می باشد. او یکی از نویسندگان فعال مجله "اسخیدنی سوت" بود. در سال ۱۹۳۳ دستگیر شد. پس از جنگ در آسیای میانه مشغول به کار شد. سال ۱۹۵۲ م. از مدرک دکترای خود در استالین آباد دفاع کرد. در خصوص سرنوشت او اطلاعاتی دیگری در دست نیست.

^{۹۹} Pavel Nikiforovich Laziev

تالیفات:

- خیام (یادداشت های تاریخی-زبان شناسی در آکادمی علوم اکراین) (سال ۱۹۲۷ م.)؛
- عمر خیام (سال ۱۹۳۰ م.)؛
- خواجه ناصر الدین؛
- رباعیات خیام به زبان روسی (سال ۱۹۵۲ م.)؛
- عمر خیام در منابع و ترجمه های روسی (سال ۱۹۵۲ م.).

گئورگی واسیلویچ شیتف^{۱۰۰}

ایران شناس و اقتصاد دان



وی در سال ۱۸۹۶ م. در شهر پیشپک به دنیا آمد. از آگوست تا نوامبر سال ۱۹۱۸ م. عضو گروه سوسیالیست- انقلابی چپ بود و از ۱۹۲۰ م. عضو حزب کمونیست روسیه شد. او تحصیلاتش را در دانشگاه دولتی خاور دور به اتمام رساند (۱۹۲۵ م.-۱۹۲۸ م.). در سالهای ۱۹۲۸ م. تا ۱۹۳۳ م. در دانشگاه کمونیستی

^{۱۰۰} George Vasilievich Shitov

لنینگراد با نام استالین تدریس می کرد. در پایان سال ۱۹۲۹م. در مقطع دکترا فارغ التحصیل شد و از سال ۱۹۳۲م. با آکادمی علوم دانشکده شرق شناسی اتحاد جماهیر شوروی همکاری می کرد، عضو هیات علمی بخش تاریخ و اقتصاد بود و از سال ۱۹۳۳م. دبیر علمی دانشکده گردید. در دانشکده شرق شناسی لنینگراد تدریس می کرد اما طی پاک سازی دانشگاه ها در ژانویه سال ۱۹۳۲م. به خاطر ادامه تدریس تئوری بورژوازی در مبحث تاریخ ایران از دانشگاه اخراج گردید. او به تاریخ جدیدی از ایران می پرداخت و رساله ای در خصوص تاریخ انقلاب ایران منتشر کرد. بین ماه های مارس و آپریل سال ۱۹۳۳م. از سمت ریاست علمی آکادمی علوم شرق شناسی اتحاد جماهیر شوروی کنار گذاشته شد و توبیخ و سرزنش رسمی را از حزب به خاطر اشتباهات سیاسی در یافت کرد. او علیه آکادمی واسیلی میخایلوویچ الکسیف^{۱۱} سخنرانی نکرد، حتی در زمان حضور مهمان فرانسوی آکادمی علوم، پروفیسور لوی، ارزش بالایی را برای دستاوردهای شرق شناسی این آکادمی قائل شد. شیتف کارش را به عنوان همکار علمی در دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی ادامه داد. اولین دبیر علمی کابینه ایران بود. در سال ۱۹۳۵م. به عنوان عضو انجمن ایران شناسان انتخاب گردید. اول اکتبر سال ۱۹۳۶م. توسط جامعه دفاع از کمیساریای خلق امور داخلی اتحاد جماهیر شوروی به ده سال تبعید در اردوگاه کار اجباری محکوم شد. تا سال ۱۹۴۶م. در اردوگاه بود. سال های ۱۹۴۶م. تا ۱۹۴۹م.

^{۱۱} Vasilij Mikhaylovich Alekseyev

همکاری علمی خود را با دانشکده تاریخ آکادمی علوم جمهوری ازبکستان شروع کرد. اول ژوئن سال ۱۹۴۹م. یک بار دیگر دستگیر شد و توسط هیات دفاع از وزارت امور داخله اتحاد جماهیر شوروی به تبعید محکوم گردید. تا سال ۱۹۵۴م. در اردوگاه مخصوصی در منطقه کراسنویارسک بود. در سال ۱۹۵۴م. آزاد شد. سالهای ۱۹۵۴م. تا ۱۹۵۶م. در دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی کار می کرد. از دسامبر سال ۱۹۵۶م. تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۶۵م. با بخش لنینگراد دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی همکاری داشت.

تالیفات:

ایران در اواخر سلطنت قاجار (سال ۱۹۳۳م.)؛
محمد کاظم، نامه عالم آرایی نادر (سال ۱۹۶۲م.)

الکساندر سمنویچ استرلکف^{۱۰۲} (۱۸۹۶م.-۱۹۳۸م.)



متخصص هنرهای پیش از اسلام آسیای مرکزی ،
ایران و هند

وی در شهر مسکو دیده به جهان گشود. تحصیلات
خود را در دانشکده حقوق (۱۹۱۸م.) و علوم اجتماعی

^{۱۰۲} Alexandr Semenovich Strelkov

(۱۹۲۱م.) دانشگاه مسکو به اتمام رساند. با موزه ملی آثار هنری (۱۹۱۹م.) -
 (۱۹۳۱م.)، آکادمی دولتی هنر، آکادمی بین‌المللی تاریخ هنر، دانشکده‌های علوم
 و تحقیقات همکاری می‌کرد. او عضو فعال انجمن شرق‌شناسی سراسر روسیه
 بود. برای اولین بار در ۲۴ می سال ۱۹۳۰م. دستگیر شد. ۱۴ نوامبر سال
 ۱۹۳۲م. از کار اخراج گردید. برای فرار از دستگیر شدن از مسکو به لنینگراد نقل
 مکان کرد. همکاری علمی خود را با موزه ملی ارمیتاژ و آکادمی دولتی تاریخ
 هنر از سر گرفت. به طور عمده با هنرهای قبل از اسلام آسیای مرکزی سرو کار
 داشت و عضو سومین همایش و کنفرانس در خصوص معماری و هنر ایران بود.
 در سال ۱۹۳۶م. از موزه ارمیتاژ به منظور بررسی و کار بر روی معماری و آثار
 هنر به شهر کهن و باستانی ترمز عازم گردید. در سال ۱۹۳۷م. به او اجازه
 شرکت در حفاری در منطقه ترکمنستان داده نشد، بر اساس گفته‌ای باریس
 باریسویچ پیوتروسکی، او دیگر به این مسائل عادت کرده بود. ۱۷ فوریه سال
 ۱۹۳۸م. با شهادت وزارت امور داخلی و اداره امنیت ملی لنینگراد بار دیگر
 زندانی شد. با توجه به اسناد شماره ۵۸-۶، اداره امنیت اتحاد جماهیر شوروی،
 با توجه به شواهد موجود به جاسوسی در خاک اتحاد جماهیر شوروی برای
 آلمان‌ها محکوم گردید. همچنین در ارتباط با یوسف آبگروویچ آرلبی متهم
 شناخته شد اما با این وجود آزاد گردید. بر اساس مدارک دفتر ضد جاسوسی
 سنت پترزبورگ، کمیساریای خلق اتحاد جماهیر شوروی و دفتر دادستانی در
 ۲۸ آگوست سال ۱۹۳۸ به اشد مجازات محکوم گردید. در اسناد سرویس
 جاسوسی روسیه به نوع دیگری آمده است که استرلکوف بر اساس پروتکل

کمیساریای خلق اتحاد جماهیر شوروی دستگیر شد. او در ۶ سپتامبر سال ۱۹۳۸ تیر باران شد.

تالیفات:

کتیبه از مجموعه هنرهای زیبای تخت جمشید، مجسمه های موزه هنرهای زیبا، سال ۱۹۲۶م.؛

دانشکده باستان شناسی و هنر، سال ۱۹۲۶م.؛

هنرهای بودایی؛

زورمالا یا کاتا-تیوپه در ترمز، فرهنگ شرق، سال ۱۹۲۷م.؛

مجسمه های پیش از اسلام در شهر باستانی ترمز، سال ۱۹۲۸م.؛

دو نقاشی از معبد K۹ در شیکشین، مجموعه مقالات بخش باستان شناسی دانشکده علوم و تحقیقات روسیه، سال ۱۹۲۸م.؛

هنر شرق باستان، سال ۱۹۳۳م.؛

هنر فئودالیزم اروپایی، سال ۱۹۳۴م.؛

نمایشگاه هنر ایرانی، سال ۱۹۳۶م.؛

سومین کنگره بین المللی هنر و باستان شناسی ایرانی، سال ۱۹۳۷م.؛

هنر هندی؛

ایران و هنر قبل از اسلام از غرب ترکمنستان، سال ۱۹۳۸م.

باریس نیکلایویچ زاخادر^{۱۰۳} (۱۸۹۸م.-۱۹۶۰م.)

ایران شناس، تاریخدان خاور دور و خاور میانه قرون وسطی

وی در روستای ایالت باروک کاسترومسکی در خانواده پزشکی محلی متولد شد . کلاس هفتم را در دبیرستان مسکو به پایان رساند. (۱۹۱۷م.) بین سالهای ۱۹۱۸م. تا ۱۹۲۳م. دبیر اکادمی دولتی تاتر بود. در سالهای ۱۹۲۳ م. تا ۱۹۲۸م. به عنوان مدیر محافظت از مجموعه موزه برنامه های فضایی ملی فعالیت می کرد و همزمان در رشته خاور نزدیک دانشکده شرق شناسی مسکو تحصیل می نمود (۱۹۲۳م. -۱۹۲۷م.). دوره دکترای خود را در همان دانشکده به اتمام رساند (۱۹۲۷م.-۱۹۳۰م.). از سال ۱۹۳۰م. زبان فارسی تدریس می کرد و مدیر گروه زبان فارسی دانشکده شرق شناسی مسکو گردید. پس از دستگیری در ۵ مارس ۱۹۳۴م. به جرم همکاری با اداره دولتی سیاست مشترک تحت کمیساریای خلق اتحادیه جماهیر شوروی به ۳ سال تبعید در غرب سیبیری محکوم شد اما او رابه قازان فرستادند، از آنجا در ۱۵ نوامبر ۱۹۳۴م. توسط سازمان توسعه دفاع از اتحاد جماهیر شوروی بلا فاصله آزاد گردید. از سال ۱۹۳۴م. تا ۱۹۳۹ م. در دانشکده فلسفه، ادبیات و تاریخ مسکو با نام چرنیشفسکی و از سال ۱۹۳۴م. تا ۱۹۶۰م. در دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی مسکو که از سال ۱۹۴۴م. در آن به عنوان مدیر بخش شرق شناسی بود ،

^{۱۰۳} Boris Nikolaevich Zahoder

تدریس می کرد. در سال های ۱۹۳۵م. تا ۱۹۳۹م. همکار علمی وزارت علوم در اکادمی دولتی تاریخ و فرهنگ بود. از سال ۱۹۴۴م با گروه دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در مسکو همکاری می کرد.

در مارس ۱۹۴۹م. در زمان گرد همایی با موضوع " مبارزه با جهانی شدن " با وجود اذیت و آزار از بیان اشتباهات خود ممانعت نکرد. از سال ۱۹۵۰م. دبیر ارشد در بخش ایران و از سال ۱۹۵۶م. مدیر بخش کشور بلاروس گردید و با گروه شرق دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی همکاری داشت. اطلاعاتی در خصوص سرنوشت وی در دست نیست.

تالیفات او شامل:

- ماموریت ارتدکس در ارومیه(از فعالیت های شاهنشاهی روسیه در ایران) سال ۱۹۳۰م.
- محمد علی جمالزاده، بودن یا نبودن، سال ۱۹۳۶م.
- تاریخ قرون وسطی شرق، سال ۱۹۴۴م.
- احمد قاضی، رساله ای در خصوص خوشنویسان و هنرمندان، سال ۱۹۴۷م.
- علیشر نوایی، تجربه ی شخصیت های سیاسی، سال ۱۹۴۸م.
- سیاست نامه، کتابی در خصوص دولت وزیر قرن شش نظام الملک، سال ۱۹۴۹م.
- دولت صفویه، تاریخ جهان، سال ۱۹۵۸م.

- مجموعه کاسپین از اطلاعات مربوط به شرق اروپا، گرگان و ولگا در قرن چهار و پنج، سال ۱۹۶۲م.
- بلغارها، مولداوی ها، مردم شمال، روس ها و اسلاو ها، سال ۱۹۶۷م.
- یوگنی ادواردویچ برتلس، ایرانی شدن در روسیه.

واسیلی الکساندروویچ ابرمان^{۱۰۴} (۱۸۹۹م.-۱۹۳۷م.)

عرب شناس و ایران شناس، محقق و مترجم اشعار عربی و فارسی



وی در سنت پترزبورگ در خانواده ای درباری به دنیا آمد. تحصیلات نظامی را در سپاه پاژسکی به اتمام رساند (۱۹۱۷م.). او محاورات عربی و فارسی را در دانشکده زبان های شرقی دانشگاه شهر پرم آموخت (۱۹۱۷م.-۱۹۲۱م.). از سال ۱۹۱۹م. همکاری خود را با دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی آغاز

کرد. از سال ۱۹۱۹م. تا ۱۹۳۰م. در آکادمی دولتی تاریخ و فرهنگ مادی روسیه

^{۱۰۴} Vasilii Aleksandrovich Eberman

مشغول به کار شد. در سالهای ۱۹۲۴م. تا ۱۹۲۹م. زبان عربی را در دانشگاه دولتی لنینگراد تدریس می کرد. مسئله اصلی فعالیت های علمی او، مطالعه بخش های غیر عرب و بیش از همه ایرانیان در فرهنگ اسلامی و ادبیات عرب دوره های آغازین بود. او در حالی که استاد برجسته اشعار فارسی بود موفق شد در برخی از موارد اندازه و ابزار آوایی اصلی عربی را استخراج کند. در بین همکاران غربی خود شهرتی به دست آورد و توانست نمونه کارهای شرق شناسی روسی را بین سالهای ۱۹۱۴م. تا ۱۹۲۷م. به زبان آلمانی منتشر کند. در سالهای ۱۹۲۷م. تا ۱۹۳۰م. یکی از فعال ترین اعضای گروه عرب شناسان به نام بارون روزنا بود که به طور منظم ۲ بار در ماه در جلسات شرکت می کرد (در آپارتمان ایگناتی یولیانوویچ کراچکوسکی). متعاقب این جلسات در روز ۱۶ ژولای سال ۱۹۳۰م. سخنرانی در خصوص "چند اثر مینیاتور خاور نزدیک در گنجینه کتاب های لنینگراد" انجام داد. او در ۲۷ ژولای سال ۱۹۳۰م. به خاطر کار در آکادمی علوم دستگیر شد. ۱۰ فوریه سال ۱۹۳۱م. توسط نمایندگی معتبر اداره دولتی سیاست مشترک در منطقه نظامی لنینگراد به مدت ۵ سال به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد. در اردوگاه تا سال ۱۹۳۳م. زندانی بود. او در تمام طول زندگیش انسانی کاملا معتقد بود، دیگران درباره او می گویند که روبروی میز او همواره نشان مذهبی آویزان بود اما در اردوگاه او را از این کار منع کردند و این در حالی بود که او کتاب مقدس را در بالش خود مخفی می کرد. به واسطه همکاران اداره سیاست دولتی اتحاد جماهیر شوروی از ۹ ژولای سال ۱۹۳۳ به خاطر کار مفید و موثر در اردوگاه پیش از موعد مقرر آزاد شد. پس از آزادی یک ترم در دانشکده تاریخ، فلسفه و زبان شناسی لنینگراد به کار مشغول

شد. اما دوباره در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۳۳م. دستگیر و زندانیش کردند. طی مدت زندان، لو نیکلایویچ گومیلیو که در خانه او بود نیز بازداشت شد. ۷ مارس سال ۱۹۳۴م. او را از لنینگراد به اردوگاه دیگری در مگادان فرستادند. اطلاعاتی وجود دارد که نشان می دهد ابرمان مدتی از بازداشت را در خارج از اردوگاه بسر می برده است. پس از آزادی در سال ۱۹۳۶م. به آریل رفت جایی که موفق شد با همسر ایلینوی که استاد زبان آلمانی در مدرسه بود در بیرون از زندان ارتباط برقرار کند. او بیهوده سعی کرد تا تحت حمایت ایگناتی یولینویچ کراچکوسکی نوعی قرار داد برای کار در دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحادیه جماهیر شوروی دریافت کند. سرانجام او را به قتل رساندند. در این زمینه اطلاعات دقیقی در دست نیست.

تالیفات:

ابن خلدون. اشعار، سال ۱۹۲۳م.؛

عربی و فارسی در اشعار روسی؛

مدرسه پزشکی در جندی شاپور، سال ۱۹۲۵م.؛

فارسی در بین شاعران عرب دوره اموی، سال ۱۹۲۷م.؛

توصیف مجموعه های خطی عربی موزه آسیا در سال ۱۹۲۶م. که در آتش سوختند؛

نماینده پارلمانی اتحاد جماهیر شوروی در ایران، سال ۱۹۲۷م.؛

ابوالقاسم زارع^{۱۰۵}

ایران شناس و زبان شناس

وی در سال ۱۸۹۹ م. در شهر تهران متولد شد. حین تحصیل در دبیرستان زبان و ادبیات فارسی همزمان به طور گسترده با مجلات و روزنامه های تهران همکاری می کرد. همزمان به فعالیت های سیاسی می پرداخت و به عنوان دبیر انجمن کمونیستی دانشجویان ایران فعالیت داشت. سالهای ۱۹۲۰ م. تا ۱۹۲۱ م. عضو گروهک کمونیستی گیلان بود و در سال ۱۹۲۱ م. به عنوان کمیسر آموزش انقلاب گیلان برگزیده شد. در سال ۱۹۲۲ م. به عنوان یکی از اعضای هیات اعزامی گروهک کمونیستی گیلان به دیدار لنین رفت. در سال ۱۹۲۰ م. رشته ادبیات را در تهران به اتمام رساند. پس از مهاجرت به اتحاد جماهیر شوروی در سالهای ۱۹۲۲ م. تا ۱۹۲۵ م. به تحصیل مشغول بود و همچنین در دانشگاه کمونیستی تلاشگران شرق به تدریس زبان فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران می پرداخت. سالهای ۱۹۲۳ م. تا ۱۹۲۵ م. به عنوان نماینده ایرانیان مقیم مسکو فعالیت می کرد و همزمان در سالهای ۱۹۲۲ م. تا ۱۹۲۴ م. به تدریس زبان فارسی در آکادمی نظامی کارگران و کشاورزان ارتش سرخ، کنوانسیون ملی کارگران، کمیساریای خلق امور خارجه و آکادمی صنایع مشغول بود. بین سالهای ۱۹۲۸ م. تا ۱۹۳۰ م. به تحصیل در کورس بین المللی لنین پرداخت. او عضو بخش شرق شناسی اتحادیه انجمن های روابط فرهنگی با کشورهای خارجی و تا

^{۱۰۵} Abul Qasim Zarre

سال ۱۹۳۰ م. نیز عضو انجمن علمی شرق شناسی روسیه بود. در سال های ۱۹۲۸ م. تا ۱۹۳۲ م. یکی از ویرایشگران مجله دفتر مرکزی حزب کمونیست ایران در برلین شد. در سال ۱۹۳۰ م. به عنوان نماینده ایران در بخش بین الملل حزب کمونیست برای ماموریت به کنگره لاتینی شدن الفبای تاجیکی در استالین آباد (دوشنبه) اعزام گردید. او کتاب استالین با نام "لنین و لنینیزم" را به زبان فارسی آموزش می داد. در سال ۱۹۳۲ م. ویرایشگر تمامی ترجمه های کتابهای ادبیات مارکسیستی-لنینی دانشگاه کمونیستی تلاشگران شرق بود. از سال ۱۹۳۲ م. مدیر گروه زبان فارسی-افغانی و از سال ۱۹۳۴ م. مدیر گروه زبان های فارسی، افغانی و عربی دانشکده شرق شناسی مسکو گردید. او همچنین ادبیات و زبان فارسی را تدریس می کرد. تا پیش از دستگیری بر روی فرهنگ اصطلاحات اقتصادی-سیاسی روسی به فارسی کار می کرد. او در مسکو زندگی را می گذراند. در ۲۱ فوریه ۱۹۸۳ م. دستگیر و زندانی شد.

در اعلامیه شماره ۹۶ "مرکز مسکو" به نمایندگی رئیس بخش هشتم (شاپیرو) اداره امنیت دولتی کمیساریای خلق امور داخلی اتحاد جماهیر شوروی، با امضای : استالین، مالانف، کائوئیچ، ژدائف که در ۱۹ آوریل ۱۹۳۸ م. برای ۳۲۷ نفر حکم سرکوب صادر شد. ۲۷ آوریل سال ۱۹۳۸ م. دادگاه نظامی اتحاد جماهیر شوروی او را به جاسوسی متهم کرد. در همان روز تیر باران و در کامونارک به خاک سپرده شد. امدار ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۵۶ توسط دادگاه نظامی اتحاد جماهیر شوروی از او اعاده حیثیت گیرد.

از جمله تالیفات او می توان به این موارد اشاره کرد:

کتاب آموزشی زبان فارسی، سال ۱۹۳۳ م؛
مقاله ای در خصوص ادبیات ایران، سال ۱۹۳۵ م.

پیتر پاولویچ بوشف^{۱۰۶} (۱۸۹۹ م. - ۱۹۸۱ م.)

ایران شناس - مورخ

وی در سنت پتربورگ در خانواده ای صنعت گر چشم به جهان گشود. از سال ۱۹۱۹ م. به صورت داوطلبانه به ارتش سرخ پیوست. از اکتبر سال ۱۹۱۹ م. عضو حزب کمونیست روسیه شد. در سال ۱۹۲۵ م. در سفری به آگیتروپ در دانشکده زبان های زنده شرقی لنینگراد و دانشکده شرق شناسی لنینگراد پذیرفته شد، در سال ۱۹۲۹ م. فارغ التحصیل گردید. در زمان تحصیل برای دوره های آموزشی به ایران رفت. در مقطع دکترا پذیرفته شد اما بلافاصله به دستور کمیته مرکزی حزب کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی به کمیساریای خلق وزارت امور خارجه فرستاده شد. او به عنوان کنسول در ایران کار می کرد. همزمان در دوره شبانه دانشکده فرهنگ و سیاست به تحصیل مشغول بود. ۱۹ ژانویه ۱۹۳۸ م. به مسکو فراخوانده و زندانی شد. او محکوم شد که فردی به نام ژوکف را به منظور جاسوسی از جانب ژاپن استخدام کرده است. در خاتمه تا ۵ نوامبر ۱۹۳۹ م.،

^{۱۰۶} Bouchev Peter Pavlovich

هنگامی که پرونده بر اساس اطلاعیه شماره ۲۰۴۶ ب/بسته شد، از تمامی جرایم گذشته مبرا گردید، بعد ها گفته شد که آنها بر اثر شکنجه های فیزیکی اعتراف کرده اند. در سالهای ۱۹۴۰م. تا ۱۹۴۳م. معاون ریاست دفتر سخنرانی مرکزی گردید. از فوریه سال ۱۹۴۳م. در ارتش خدمت می کرد، با اتمام جنگ اتریش مدال ها و نشان های بسیاری دریافت کرد. از سال ۱۹۴۶م. دستیار علمی بخش تاریخ فلسفه آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی گردید و پس از آن با دانشکده تاریخ آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی همکاری داشت (۱۹۴۸م.-۱۹۵۱م.). از سال ۱۹۵۱م. همکاری علمی خود را با دانشکده شرق شناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی را شروع کرد، سالهای ۱۹۵۳م. تا ۱۹۵۷م. به عنوان دبیر علمی دانشکده برگزیده شد. موضوع اصلی تحقیقات وی سیاست استعماری اروپا در ایران در زمان حاضر بود بسیاری از کارهای علمی او مربوط به تاریخ شرق شناسی روسیه می شود. اواخر عمر خود به تحقیق در خصوص تاریخ ارتباط روسیه و ایران در قرن هفده و هجده می پرداخت.

تالیفات او شامل:

سفر نظامی انگلیس به اهواز (نگاهی به جنگ های ایران و انگلیس سالهای ۱۸۵۶م.-۱۸۵۷م.)، سال ۱۹۵۶م.؛

فهرستی از استانها، شهرستانها و روستاهای ایران، ایران معاصر، سال ۱۹۵۷م.؛

هرات و جنگ انگلیس و ایران سالهای ۱۸۵۶م.-۱۸۵۷م.، سال ۱۹۵۹م.؛

زندگی و فعالیت های ژوکوفسکی، مقالاتی در خصوص شرق شناسان روسیه،
سال ۱۹۵۹م؛

مسایلی از اولین سفر ژوکوفسکی به ایران (۱۸۸۳م-۱۸۸۶م)، سال ۱۹۶۰م؛

قاضی علی بیک، سفیر ایران در روسیه (۱۷۱۱م-۱۷۱۳م)، سال ۱۹۶۳م؛

سفر سفیر ایران محمد حسین خان بیک به مسکو در سال های ۱۶۹۰م-
۱۶۹۲م، سال ۱۹۷۶م؛

تاریخ ارتباط سفرا و دیپلمات های روسیه و ایران در سالهای ۱۵۸۶م. تا
۱۶۱۲م، سال ۱۹۷۶م؛

سفیر آرتم ولنسکی در ایران در سالهای ۱۷۱۵م. تا ۱۷۱۸م، سال ۱۹۷۸م؛

تاریخ ارتباط سفرا و دیپلمات های روسیه و ایران در سالهای ۱۶۱۳م. تا
۱۶۲۱م، سال ۱۹۸۷م.

الکساندر میخایلوویچ کاسایف^{۱۰۷}

ایران شناس

وی در خانواده ای روستایی با اصلیت اوسیتیایی متولد شد. از سال ۱۹۲۸م. عضو
گروهک کمونیستی سراسر روسیه بود. سال ۱۹۲۵م. دانشگاه کمونیستی
تلاشگران شرق را به پایان رساند. او در دانشکده شرق شناسی مسکو زبان فارسی

^{۱۰۷} Alekandr Mikhaylovich Kasayev

و عربی را تدریس می کرد. از سال ۱۹۳۲م. استاد دانشکده شرق شناسی مسکو شد.

تالیفات:

- کتاب آموزشی زبان فارسی، سال ۱۹۳۳م.
- فرهنگ لغت روسی-آستین، سال ۱۹۵۲م.

والنتین الکساندروویچ ژوکفسکی^{۱۰۸}

شرقشناس، زبان شناس، مردم شناس و عضو آکادمی علوم روسیه از سال ۱۸۹۹م.



والنتین الکساندروویچ ژوکفسکی سال ۱۸۵۸م. در وارونژ متولد شد و دوره ی دبیرستان را در مسکو و سپس در وارونژ به اتمام رساند. در سال ۱۸۷۶م. وارد دانشکده ی زبان های شرقی دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ شده و در رشته های زبان عربی – فارسی – ترکی و تاتاری شروع به تحصیل کرد.

دوران تحصیلات عالی خود را در دانشکده زبان های شرقی دانشگاه سنت پترزبورگ به پایان رساند. رساله دوره فوق لیسانس را در رابطه با آثار «علی

^{۱۰۸} Valentin Aleksandrovich Jdukovski

اوحدالدین انوری» شاعر نامی ایران در سده ۶ قمری نوشت. رساله دوره دکتری وی تحت عنوان «منابعی برای آموزش قید در زبان فارسی» بود. بخش اول این رساله به گویش های شهر کاشان، وانیشون، کهرود، کاشه و زفره اختصاص داشت. هر دو دوره کارشناسی ارشد و دکتری را در شهر سنت پترزبورگ به پایان رساند. پس از آن در گروه زبانهای ایرانی دانشکده شرقی وابسته به دانشگاه سنت پترزبورگ مشغول به کار شده و در سمت ریاست بخش علمی زبان های شرقی وابسته به وزارت امور خارجه قرار گرفت. در سال ۱۸۹۰م. همراه با هیات باستان شناسی امپراطوری جهت انجام ماموریت به حواشی دریای خزر اعزام شد. نتیجه این ماموریت اثر برجسته وی با عنوان «قدمت حواشی دریای خزر. ویرانه های قدیمی مرو» شد. همان سال کتابی به نام «دستور مختصر زبان فارسی معاصر» با همکاری زالمان نوشتند.

ژوکفسکی چندین مقاله نیز با عنوان «یادداشت هایی از بخش شرقی جامعه باستان شناسان» به چاپ رسانده است (مطالبی در خصوص بابا طاهر عریان، تاریخ ادبیات ایران در دوران سامانیان، محمد ساسان خان و آثاری دیگر). این شرقشناس برجسته روس در کنار آثار ادبی خود، به صوفی گری ایران نیز پرداخته است. اثر وی تحت عنوان «انسان و شناخت صوفی گری ایرانی» در سال ۱۸۹۵م. در شهر سنت پترزبورگ به چاپ رسیده است. ژوکفسکی نویسنده ی مجموعه آثار مکاتب اسلامی و فرقه دراویش در ایران است.

طی سال‌های ۱۸۸۳م. تا ۱۸۸۶م. ژوکفسکی جهت انجام ماموریت علمی در ایران (تهران، اصفهان، شیراز) حضور داشته و به تعلیم زبان و ادبیات فارسی و گویش‌های آن پرداخت.

پس از برگشت به سنت پترزبورگ در سال ۱۸۸۶م. به سمت دانشیاری نائل گردید و عهده دار ریاست گروه زبان فولکلور فارسی شد. وی در دانشگاه شرقشناسی تا پایان عمر (بیش از ۳۱ سال) جلسات سخنرانی برگزار می‌کرد.

۲۹ آوریل سال ۲۰۰۸م. در کتابخانه‌ی آکادمی علوم روسیه، نمایشگاهی بمناسبت ۱۵۰- امین سالگرد تولد شرقشناس مشهور، والتین الکسیویچ ژوکفسکی پرفسور دانشگاه دولتی سنت پترزبورگ، کارشناس زبان‌شناسی در زبان و ادبیات فارسی، ادبیات فولکلور، مردم‌شناسی و باستان‌شناسی ایران و عضو وابسته‌ی آکادمی علوم روسیه افتتاح شد.

بخش‌هایی از نمایشگاه که در آن آثار ژوکفسکی به نمایش گذاشته شدند از دو جنبه آثار مورد توجه بود: «مجموعه مقالاتی پیرامون تاریخ شرقشناسی روسیه» شماره ۴ سال ۱۹۵۹م.، شماره ۵ سال ۱۹۶۰م.؛ که شماره ۴ مقاله‌ی پ. بوشویوا در خصوص «زندگی و فعالیت‌های علمی ژوکفسکی» و شماره ۵ بطور کامل به یادمان ژوکفسکی و. آ. اختصاص دارد؛

«نقدهای ادبی بر آثار ژوکفسکی و. آ.» که در مجله‌ی وزارت علوم به چاپ رسیده‌اند.

قسمتی که به آثار علمی ژوکفسکی و. آ. اختصاص یافته است شامل آثار زیر بود:

اولین اثر او که موضوع رساله دکترای وی نیز بود «علی اوحدالدین انوری» نام داشت که به موضوعاتی پیرامون بیوگرافی و ویژگی های علی اوحدالدین انوری پرداخته است (سنت پترزبورگ سال ۱۸۸۳ م.)، و هم نزد شرقشناسان روس و هم شرقشناسان اروپای غربی ارزش بالایی دارد، «موضوعاتی برای مطالعه ی قیود زبان فارسی» (سال ۱۸۸۸ م.)، «قدمت کرانه ی فراخزر»، «خرابه های مرو قدیم» (سنت پترزبورگ، سال ۱۸۹۴ م.)، «انسان و ادراک عارفان فارسی زبان» (سنت پترزبورگ، سال ۱۸۹۵ م.) و همچنین مقاله های بیشماری در زمینه های: «یادداشت های بخش شرقی انجمن باستانشناسی روسیه»، «مجله ی وزارت علوم»، «پیر زنده» از دیگر آثاری هستند که برای نمایشگاه ارائه شد.

مصاحبه با گرانت آوانس واسکانیان

شرقشناس برجسته روس و مولف فرهنگ ۳۶۰۰ واژه روسی به فارسی

- آقای واسکانیان، ابتدا کمی درباره تحصیلاتتان توضیح بدهید.

من در سال ۱۹۴۲ تحصیلاتم را آغاز کردم و از سال ۱۹۴۲ در دانشگاه نظامی شروع به تدریس کردم. پس از آن با آقای روبینچیک که استاد من بود، شروع به نوشتن مقالات و کتاب درسی آواشناسی زبان فارسی کردیم. در آن زمان ما با سختی فراوان و با کمک یکدیگر این کار را آغاز نمودیم. سختی کار از آن جهت بود که منابع کافی در اختیار نداشتیم، کتاب دیگری هنوز تدوین نشده بود و تجربه ای نیز به طبع، در این خصوص نداشتیم. فقط مطالبی در خصوص زبان تاجیک، زبان پامیری و امثال آن وجود داشت. ما کتاب های انگلیسی و آلمانی را تهیه کرده و با مطالعه مطالب مختلف، سطح دانش خود را بالا بردیم. سپس با کمک یکدیگر توانستیم ظرف ۳ سال نوشتن کتاب را به پایان برسانیم. در سال ۱۹۵۶ دانشگاه بسته شد. طی این دوره من به نوشتن چندین مقاله درباره شیوه تدریس آواشناسی و شیوه تدریس زبان فارسی در سال اول آموزش پرداختم. نکته جالب کتاب در این بود که ما نه فقط آواها را معرفی کردیم، بلکه حتی نوشتار هم همزمان با آن تدریس می شد. در کتاب ما به این مساله توجه داشتیم که چطور می توان با کمک نوشتار و آواها دانشجو را برای گفتگو و استفاده از

کلمات در گفتار آماده کرد. چطور دانشجویها می‌توانند با استفاده از کلمات آموخته شده به گفتگو بپردازند. این روش آموزش، دوره ترکیبی نامیده می‌شد. به عبارتی کاری که ما کردیم جدید بود.

همزمان در آن موقع روی پایان نامه‌ام کار می‌کردم. موضوع پایان نامه «مصدر در زبان فارسی معاصر» بود. سال ۱۹۵۵ از پایان نامه دکتری دفاع کردم و در سال ۱۹۵۶ در وزارت خارجه روسیه مشغول به تدریس شدم. پس از آن هم برای کار ترجمه راهی ایران شدم. تا جایی که به یاد دارم، سال ۱۹۵۷ بود که به ایران رفتم. می‌خواستم در ایران یک سری تحقیقات در زمینه زبان فارسی انجام دهم.

- حضور شما در ایران بنا بر ماموریت از طرف ارگان خاصی بود یا به میل شخصی؟

دلیل اصلی عزیمت من به ایران، نیاز به حضور یک متخصص زبان فارسی در رایزنی فرهنگی روسیه در ایران بود. البته من خودم از خدا همچین چیزی را می‌خواستم. به همین دلیل بلافاصله با این پیشنهاد موافقت کردم و راهی شدم. حضور در ایران و تماس مداوم با ایرانیان به من کمک زیادی کرد.

- در ایران به چه کاری اشتغال داشتید؟

در انجمن روابط فرهنگی عضو هیات بودم. با افرادی چون آقای دکتر نفیسی، آقای تفضلی، آقای جهانبانی که رییس انجمن بود، سفرای سابق، آقای آراسته، آقای سیاح و سایرین ارتباط داشتم. یکی از کارهایی که در این انجمن انجام

دادیم، احیای مجله «نشر نوین» بود. که نصف آن راجع به ایران و نصف دیگر راجع به شوروی بود. این مجله به زبان فارسی منتشر می‌شد. مطالب مربوط به ایران را من نگاه می‌کردم و پیشنهاداتی می‌دادم. مطالب مربوط به شوروی را هم خودم می‌نوشتیم. این مجله در دوران شاه بسته شده بود، و در همان دوران هم ما احیایش کردیم. ما خیلی وقت صرف این مجله کردیم. مجله برای شناساندن ایران و شوروی بسیار موثر بود.

- در ایران نام واسکانیان برای دانشجویان زبان روسی با فرهنگ ۳۶۰۰۰ واژگانی روسی به فارسی گره خورده است، چطور شد که به فکر انجام چنین کار بزرگی افتادید؟

البته، من از این قضیه بسیار خوشحالم. تدوین فرهنگ لغت روسی به فارسی، برنامه‌ای بود که سال‌ها در ذهنم می‌چرخید. از همان دوران تحصیل در فکر جمع‌آوری واژه‌های پرکاربرد زبان فارسی و قرار دادن آنها در مقابل واژگان روسی بودم. تعداد زیادی دفتر دارم که تمام آنها مملو از واژه‌ها و معانی‌شان است. این واژه‌ها انعکاس سال‌های عمر من هستند. وقتی برای ماموریت به ایران می‌رفتم و یا در هر جمعی که با ایرانیان می‌نشستم، همیشه یک کاغذ کنار دستم بود، هر کلمه‌ای که برایم تازگی داشت یا احساس می‌کردم برای گنجاندن در فرهنگ لغت مناسب است را سریع یادداشت می‌کردم. یادم هست که روزی در جمع استادان ایرانی نشسته بودیم، هر کس صحبت می‌کرد، من سریعاً برای خودم چیزهایی

یادداشت می‌کردم، بعد متوجه شدم یکی از افراد جمع که با من آشنایی زیادی نداشت با تعجب به من نگاه می‌کند. برایش عجیب بود که فکر کند من از حرف‌های آن مجلس یادداشت بردارم، زیرا مساله خاصی مطرح نمی‌شد. نهایتاً طاقت نیاورد و کمی بعد پیش من آمد و سوال کرد. اینطور بود که کم‌کم توانستم واژه‌ها را جمع کرده و کنار هم قرار دهم. بعد از این مرحله، نوبت به کنار هم قرار دادن این واژه‌ها و درست کردن مدخل‌ها رسید. این مرحله از کار بسیار سخت بود. من از نصایح استادان ایرانی بسیار استفاده کردم. مرحله دوم کار که تنظیم مدخل‌ها بود، هفت سال طول کشید. هفت سالی سخت اما لذت‌بخش. نتیجه آن، فرهنگی است که امروز می‌بینید. چندی پیش هم به توصیه یکی از اساتید ایرانی اقدام به ویرایش و چاپ مجدد کتاب کردیم.

- با کدام یک از اساتید ایران آشنایی و همکاری داشتید؟

با آقای دکتر نفیسی که آن زمان رییس کتابخانه ملی بود، آقای دکتر خالقی رییس آموزشگاه موسیقی و مدتی هم آقای به آذین که به عنوان دبیر مجله «نشر نوین» کار می‌کرد. من در معاشرت با آنها خیلی چیزها یاد گرفتم.

- شما قبل از حضور در ایران مسلماً با فراگرفتن زبان فارسی و تحقیق درباره این کشور، تصورات خاصی در ذهن خود از ایران داشته‌اید، اولین حضورتان در ایران چقدر با تصورات خودتان هماهنگی داشت؟

مهمان نوازی ایرانیان، فروتنی آنها، خوش برخورد بودنشان و زنده دلیشان. من صفت مهمان نوازی را به صورت اتفاقی اول نیاوردم. به طور مثال، در مسابقات معمولاً اینطور است که طرفداران هر تیم، بیشتر به تشویق تیم خود می‌پردازند. یادم هست که وقتی در مسابقات تیم‌های خارجی هم حضور داشتند، همیشه مجری می‌گفت: «دوستان عزیز، مهمان‌نوازی فراموش نشود، میهمانان ما را هم تشویق کنید». این مساله برای من بسیار جالب بود.

- چند سال ایران بودید؟ کجاها رفتید؟

هفت سال ایران بودم. شیراز و اصفهان رفتم، گرگان، مازندران، انزلی، بندر پهلوی. سفر آخرم با یوری آرانویچ روبینچیک بود که به مرقد امام هم رفتیم. به قم رفته‌ام، شهر بسیار جالبی بود، مراسم تاسوعا و عاشورا را دیدم که بسیار بر من تاثیر گذاشت.

- شهرهای جنوبی را نرفته اید؟

نه فرصت نشد.

- اینجا با کدام یک از استادان ایرانشناس هم دوره بوده اید؟

با آقای شویتوف که در رشته ادبیات زبان فارسی تحصیل می‌کرد. آقای روبینچیک و پروفیسور پیسیکوف که استاد من بود. او اولین کسی بود که گویش تهرانی را به ما یاد داد. در آن زمان، او مشغول نوشتن پایان‌نامه بود و به ما

تدریس می‌کرد. وقتی به ایران آمدم و با ایرانیان صحبت میکردم، همه از من می‌پرسیدند که چه مدت در ایران بوده‌ام، می‌گفتم: «بار اولم است». ولی آنها باورشان نمی‌شد و می‌گفتند، دیگر ایرانشناسانی که به ایران می‌آیند، کاملا متفاوت صحبت می‌کنند، اما تلفظ شما خیلی درست است. من هم با افتخار می‌گفتم: «بله، چون استاد من آقای پیسیکوف بوده است».

- از میان شاگردانتان کسی هست که الان شناخته شده باشد؟

شاگردانم در رشته ایرانشناسی زیاد کار خاصی انجام نداده‌اند. فقط یکی از شاگردانم به اسم آقای بارانوف چند سال پیش دفاع کرد که به موضوع «هماهنگی جمع و مفرد در زبان فارسی» پرداخته‌است. مساله جمع یا مفرد نوشتن، هنگام ترجمه خیلی مهم است. کسانی که از زبان انگلیسی ترجمه می‌کنند، معمولا از حالت جمع استفاده می‌کنند. مثلا در عبارت «کتاب‌ها روی میز است» برخی می‌گویند: «کتاب‌ها روی میز هستند». در زبان روسی ما مفهوم جاندار و بی جان را داریم، اما این مفهوم در زبان فارسی نیست. البته، منظور از نظر ساختاری و دستور زبان است. چون در زبان روسی هر کلمه صرف می‌شود، اما در زبان فارسی فقط فعل‌ها صرف می‌شوند. یا کلمات جمع مثل «مردم، اهل خانه، عده‌ای، جمعی و ...» این‌ها همه مطالبی بودند که در پایان‌نامه آقای بارانوف مطرح شده‌است. این مطالب بسیار پراهمیت هستند. من معتقدم که حتی برای زبان شناسان و اساتید زبان روسی هم دانستن این مسایل لازم است. به عبارتی می‌توانند زبان مادری خود را از دریچه زبان روسی بررسی کنند. من

خودم تعداد زیادی دفتر دارم که اشتباهات دانشجویانم را در آنها نوشته ام. وقتی دانشجویان صحبت می‌کنند، من اشتباهاتشان را یادداشت می‌کنم. این کار اهمیت زیادی دارد. زمانی که فرهنگ روسی به فارسی را تدوین می‌کردم، سعی کردم اختلافات میان دو زبان را منعکس کنم. الان نیز تنها آرزوی من این است که کتابی در خصوص اشتباهات معمول معنایی - دستوری زبان فارسی بنویسم. مطالب بسیار زیادی جمع کردم. اما هنوز شروع به نوشتن نکرده‌ام.

مساله دیگری که می‌خواستم مطرح کنم، ویرایش فرهنگ لغت روسی به فارسی - ای بود که من سال‌ها پیش تدوین کرده‌بودم. ما به کمک رایزنی فرهنگی و با همکاری آقای محسن شجاعی شروع به ویرایش فرهنگ روسی به فارسی کردیم. کار آن تا جایی که به من ارتباط پیدا می‌کرده به پایان رسیده، در حال حاضر کار در دست ویرایش نهایی است تا برای چاپ برود. برای ویرایش این فرهنگ من و آقای شجاعی خیلی وقت گذاشتیم. رایزنی فرهنگی هم در این زمینه بسیار همکاری کرد. آقای ابراهیمی ترکمان حتی گاهی در جلسات ما حضور پیدا می‌کرد. تمام کارهای ارسال مدخل‌های تصحیح شده به ایران، انعقاد قرارداد با انتشارات و هر برنامه‌ای که به این کار مربوط می‌شد، با کمک رایزنی فرهنگی انجام می‌گرفت. ایرادهایی که به برخی معانی در فرهنگ گرفته می‌شد، برای من خیلی جالب بود، چون من کلمات را از متن‌های مطبوعاتی و با مطالعه متون فارسی انتخاب کرده‌بودم، اما ظاهراً یا کلمات کهنه شده بودند و یا اینکه در جای خود درست به کار برده نشده بودند. مثلاً به من گفتند که در عبارت «اگر بیاید،

به او بگویید که من زنگ زدم»، فعل «بیاید» باید به «آمد» تغییر کند، من هیچ جور نمی‌توانستم با این تغییر کنار بیایم، نهایتاً وقتی به فرهنگستان ایران نامه نوشتیم و جواب مثبت بود، من راضی به تغییر آن شدم، ولی باز هم نمی‌توانستم بپذیرم. این مساله مرا وادار کرد تا مطالعه خود را بیشتر و عمیق‌تر کنم. برخی ساختارها واقعا جالب هستند مثل «شد شد، نشد نشد» یا همین عبارت مذکور، زیرا اصلا با معادل خود در زبان روسی هماهنگی ندارند و از نظر ساختاری هم فارسی زبان آنها را احساس می‌کند و بکار می‌برد، در حالیکه روس زبان باید ساختارش را بفهمد تا بتواند بکار ببرد.

کار دیگری که در اینجا می‌توانم اشاره کنم، کتاب آموزش زبان فارسی برای سال چهارم و پنجم دانشگاه است، برای دانشجویان سال آخر دانشگاه. این کتاب ها در انستیتوی آسیا و آفریقا استفاده می‌شوند.

- آیا در ایران در کنفرانس‌ها هم شرکت می‌کنید؟

بله، قبلا شرکت می‌کردم. انجمنی که گفتم عضو آن بودم به برگزاری سمینارها و نشست‌هایی اقدام می‌کردند. درخصوص شاعران ایرانی یا روس، فرهیختگان، موسیقی‌دانان و روشنفکران ایرانی و روس.

در دوران شوروی مردم عقب‌مانده بودند. نفوذ حاکمان شوروی موجب شده بود که مردم نتوانند پیشرفت کنند. تاجیک‌ها تا قبل از دوران شوروی فرهنگستان داشتند، اما خیلی از داشته‌های خود را به دلیل تاثیرات شوروی از دست دادند.

در سال‌های اخیر در کنفرانس‌های ایران شرکت نداشتیم.

- شما چه توصیه‌ای به جوانانی که در زمینه ایرانشناسی و یا توسعه روابط دو کشور تحصیل می‌کنند، دارید؟

همیشه توصیه می‌کنم که خوب درس بخوانند، جدی باشند. و در خصوص روابط دو کشور می‌گویم که باید به یکدیگر احترام گذاشت. ما همسایه هستیم. ایران اولین کشوری بود که قانون اساسی داشت. در هیچ جای دنیا قانون اساسی وجود نداشت. ایران اولین کشوری بود که مجلس تشکیل داد. ایران تاریخ و فرهنگی غنی دارد. من خیلی خوشم می‌آید که ایرانی‌ها اجازه نمی‌دهند ظلم بر کشور و مردمشان حاکم شود. انقلاب اسلامی ایران که من هم درباره‌اش مقاله‌هایی نوشته‌ام همچون انقلاب اکتبر ما است. نمی‌دانم چقدر نظرات من با شما یکی است، اما من عقیده‌ام این است. ما ظلم را نمی‌پذیریم.

به امید موفقیت و پیروزی هر دو کشور

ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

منابع :

<http://www.pvost.org/personal/index.html>

http://www.orientalstudies.ru/rus/index.php?option=com_publications&Itemid=۷۰&pub=۸۹۴

<http://slovari.yandex.ru/~книги/БСЭ/Заходер/Борис/Николаевич/>

<http://slovari.yandex.ru/~книги/БСЭ/Заходер/Борис/Николаевич/>

<http://gumilevica.kulichki.net/Rest/rest۰۰۱.htm>

<http://memory.pvost.org/pages/dic.html>

<http://www.orient.pu.ru/>